

ردپیشنهادهای ایران برای آزادی «گروگانها» بخشی از توطئه هفتم امریکا علیه انقلاب ایران است

☆ امریکاییسم امریکادری حالیکه بتدریج توطئه هفتم خود را علیه انقلاب ایران پیاده میکند، با جنجال پیرامون «گروگانها» میخواهد هم برای انجام این توطئه بهانه داشته باشد و هم نظر مردم ایران و جهان را از توطئه خود منحرف کند.

☆ رد پاسخ نسناسی ایران، بار دیگر نشان داد که «گروگانها» بهانه اند، امریکا ایران را میخواهد

صفحه ۲

در ۳ روز گذشته

تجاوزگران صدامی متحمل تلفات سنگینی شدند

محور حمیدیه - اهواز، یک دستگاه تانک دشمن با خدمه آن نابود شد. همچنین ۲ نفر سرباز مزدوران عراقی منهدم و تعدادی از قوای کفر هلاک شدند.

۲- یک واحد چریکی از رزمندگان سپاه پاسداران دزفول روز دوشنبه با نفوذ در جاده تدارکاتی دشمن در منطقه فکه و انجام چنددرشته عملیات مین-گذاری در قسمتی از جاده موفق

بقیه در صفحه ۴

تجاوزگران صدامی همچنان با مقاومت دلیرانه و دشمن شکنانه دلاوران انقلاب در جبهه هاروبرو هستند و تاکنون متحمل ضربات و تلفات زیادی شده اند.

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قسمتی از فعالیت های رزمندگان پاسدار را بشرح زیر در اختیار خبرگزاری پارس قرار داده است:

۱- در تاریخ ۵۹/۱۰/۵ برای آتش خیمه باراندازهای سپاه در



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۴
پنجشنبه ۴ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۷ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

امام خمینی:

خیانتکارهایی (هستند) که میخواهند این مملکت را باز برگردانند به حال اول

☆ شیاطین ننشسته اند که اینها (ارگانهای مختلف کشور) خالص باشند، بی نشان افرادی نفوذ کرده اند.

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، دیروز در اجتماع ائمه گفتند: «شیاطین بزرگ و کوچک و آلهایی که سینار ائمه جمعه برگزار شده بود، سخنانی ایراد کردند. امام خمینی در قسمتی از سخنان خود میفرمودند: «شیاطین بزرگ و کوچک و آلهایی که بقیه در صفحه ۴»

آقای دکتر باهر، وزیر آموزش و پرورش، ضمن سخنانی که در جمع کارکنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دربارۀ تعلیم و تربیت و نقش نهادهای مؤثر در پرورش کودکان و نوجوانان ایراد کرد، به مسئله مهم وجود تفاوت میان «فعالیت سیاسی» در محیط آموزشی و «توطئه» اشاره کرد و گفت:

«کسانی که در محیط های آموزشی هستند، نباید فعالیت سیاسی آزاد را با مأموریت سیاسی اشتباه بگیرند. هر کسی حق انتقاد دارد و این نکته قابل توجه است که پیام های توطئه آمیز با فعالیت های سیاسی هیچگاه انطباق ندارد.»

فعالیت سیاسی آری، توطئه نه!

بررسی رویدادهای بعد از انقلاب نشان داده است که محیط دبستانها و دبیرستانها، یکی از مراکز مهم ایجاد درگیری و تشنج و مرجع مرجع بوده است. شرکت گسترده نوجوانان و جوانان در انقلاب و سهم شایان توجهی که در پیروزی آن داشتند، و در یک کلام، سیاسی شدن بیش از پیش توده دانش آموز در جریان انقلاب، ضد انقلاب را برانگیخت تا شاید از جوشش احساسات جوانان و نوجوانان در جهت پیشبرد نقشه های پلید خود، سوء استفاده کند. ضدانقلاب چندین بار سعی در به تعطیل کشاندن مدارس داشت و هنوز نیز دارد، که تاکنون رهنمودهای امام خمینی و هنیاری اکثریت دانش آموزان این نقشه پلید را عقیم گذارده است.

در اینکه کمبدها و نارسائیا و معایبی در نظام آموزشی ما وجود دارد، کسی منکر آن نیست. بخشی از این کمبدها و نارسائیا و معایب میراث رژیم پهلوی است، که فرهنگ نواستعماری را بر سیستم آموزشی کشور سلسل کرده بود. برنامه های ما و کتابهای ما بقیه در صفحه ۴

طرح جدید امپریالیسم آمریکا و متحدانش برای تجزیه ایران و ایجاد کشورهای جدیدی مانند «بلوچستان»، «کردستان» و «عربستان» مستقما با نابودی انقلاب ایران و افغانستان مرتبط است.

روزنامه یزودا، به نقل از هفته نامه هندی «بلیتی» از توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نیز علیه نهضت های رهایی بخش انقلابی در آسیا پرده برداشت.

برآورد از جمله به نقل از بلیتی نوشت: «این طرح، که به نام لوئیز، سرویس نیست معروف، نامگذاری شده، در حال حاضر در محافل پنهانی در صفحه ۲»

تجاوز رژیم صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان، خطر درگیری مسلحانه گسترده در منطقه خاورمیانه را تشدید میکند

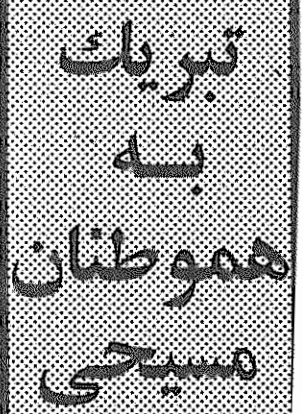
لبنان به عرصه تجاوزات ارتش فاشیستی اسرائیل تبدیل شده است. روز جمعه ۲۸ آذرماه ۵۹ واحدهای ارتش متجاوز اسرائیل به نواحی جنوب لبنان هجوم بردند و چهار کیلومتر در خاک این کشور پیشروی کردند.

طبق گزارش خبرگزاریها، بر اثر حملات واحدهای ارتش اسرائیل به جنوب لبنان، نزدیک به ۱۸ نفر کشته و متجاوز از ۲۰ نفر زخمی شدند. طبق اخبار منابع فلسطینی، نبرد میان نیروهای متجاوز اسرائیل و پانیروهای فلسطینی، به مدت ۵ ساعت ادامه داشته و در نتیجه مقاومت شدید نیروهای فلسطینی در برابر واحدهای ارتش اسرائیل، نیروهای متجاوز موفق نشدند به اهداف اصلی خود دست یابند.

بدنبال تجاوز اسرائیل، قوای پطروس، وزیر امور خارجه لبنان، و نماینده دائمی لبنان در سازمان ملل متحد خواست که مسئله تجاوز نیروهای مسلح اسرائیل به جنوب لبنان را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کند. وزیر امور خارجه لبنان در مصاحبه تلویزیونی خود اظهار داشت که:

«تجاوز رژیم صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان اقدام تحریک آمیزی است بر ضد نیروهای سازمان ملل متحد در این منطقه، که مدت مأموریت آنها همین چندین روز از طرف سازمان ملل متحد تمدید شد و در عین حال بی انتائی به تمام قطعنامه های شورای امنیت است.»

بقیه در صفحه ۲



میلاد مسیح را به هموطنان مسیحی صمیمانه تبریک می گوئیم و موفقیت آنان را در همکاری و اتحاد با سایر هموطنان در مبارزه بغاطر ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد آرزو مندیم

آیت الله دکتر بهشتی: آمریکا مدعی تمام دنیا است

سؤال از آقای مهندس بازرگان

پست وزارت کشاورزی در دولت موقت، از این واقعیت اطلاع داشتند که این فرد از سفارت آمریکا در تهران تقاضای «کارت سبز» کرده بوده است؟

پاتوجه به افشاکری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد لی محمد ایزدی، وزیر کشاورزی دولت موقت، اینک این سؤال طرح است:

آیا آقای مهندس بازرگان، قبل از انتخاب علی محمد ایزدی برای

در مشقات بعد

از گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اردن خاورمیانه: واقعیت ها و چشم اندازها

صفحه ۳

شیوه درست مبارزه سیاسی وایدئولوژیک کدام است؟

صفحه ۴

جهاد سازندگی به مثابه یک نهاد انقلابی و نقش مهم آن در مسئله واگذاری زمین

صفحه ۵

تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست هند

بمناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست هند

حزب کمونیست هند روز پنجم دیماه ۵۹، پنجاه و پنجمین سالگرد تأسیس خود را بزرگ میدارد. از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران، تلگرام زیر باین مناسبت به کمیته مرکزی حزب کمونیست هند مخابره شد:

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند رفقای گرامی!

پنجاه و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست هند را به شما و از طریق شما به همه اعضای حزب صمیمانه شادباش میگوئیم.

حزب توده ایران برای پیکار دیرین و فداکارانه حزب کمونیست هند علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقلال، دمکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی ارج فراوان قائل است.

کمونیست های هند، ملهم از اندیشه های درخشان مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، بارها همسنگی خود را با مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک حزب توده ایران و مردم ایران نشان داده اند.

پیروزیهای بیشتر شما را در پیشبرد هدف های والایتان آرزو مندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیوند دوست

یک سینه شعر، کو نفسی تا که روکنم
یک خانه درد، پاکه از آن گشتگو کنم؟
دشمن بر این گمان که کند خدشه در طریق
بادوست کوجال، که تا بازگو کنم؟
از مکر خصم ناله کنم یا ز جور دوست
تا کی توان که با همه درد خوکنم؟
یاران که در طریق طلب گام می نیند
با هم دهید دست که فتی نکو کنم
دست تو گش نشانه همبستگی شود
آن را سلاح قاطع جان عدو کنم
خصم است شادمان ز جدایی توده ها
با اتحاد دوست که تدبیر او کنم
اندم که واپسین رهایی خلق هاست
وحشت کجا، ز دشمن درنده خو کنم
پیوند دوست می شکند خصم را یقین
بپیوند خلق از ره پیمان او کنم.
دشمن ستمگر است و مزور بپوشش باش
باشد روا که ذلت او آرزو کنم.

اختر
۵۹۹۲۵

فعالیت سیاسی آری...

بقیه از صفحه ۱

درسی ما بازنای از اهداف و برداشتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن نظام وابسته، سسردمی و استبدادی بوده است. بخشی از مملکت و دیران و مریمان ما، وابسته به آن رژیم، در خدمت آن و مبلغ مزج کیش شخصیت شاه ملعون، نظام متفرد شاهنشاهی و شیوه زندگی غربی بودند و حتی برخی از آنان، بمنظور کسب امتیاز، خود را در خدمت ساواک قرار دادند و حرفه شریف معلمی را به تنگ خیرجینی و جاسوسی برای یک دستگاه فاسد و پلید، آلودند.

انقلاب وظیفه داشت که این نظام آموزشی متاثر از نواستعمار را زیر و زبر کند و یک نظام آموزشی ملیم از انقلاب ضدامپریالیستی، ضداستبدادی و خلقی، برخوردار از فرهنگ غنی ایران و دستاوردهای سنت تمدن و فرهنگ جهان را جایگزین آن سازد. انقلاب در این راستا مستگیری کرد و این طبعی است که این مستگیری و اقدامات ناشی از آن، نتواند در نقطه شروع بدون اعوجاج، شسته و رفته، کامل و به نفع باشد. انقلاب، که در محاصره فشارهای سیاسی و اقتصادی امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، و کارشکنیها و خرابکاریهای عوامل داخلی آن بود، نمیتوانست تحولات را بوقوع، هماهنگ، بجا و با عبق و گسترش لازم انجام دهد. ناهماهنگی و تمسویق و نارسائی وجود داشت و این بی تردید در همه عرصه های حیات کشور بازنای می یافت و از جمله در عرصه آموزش و پرورش.

انقلاب می بایست نخست، ابزارهای کار خود را در میان نیروی انسانی موجود جستجو کند، و این کار آسان نبود. آن ابزارهای کار، که سرسریجه رژیم طاغوت بودند، بکار انقلاب نمی آمدند و کوشش ابزارهای نو از میان باورمندان به انقلاب، به وقت و فرصت نیاز داشت و این طبعاً ناسامانی برمی آنگیخت.

وزارت آموزش و پرورش انقلاب می بایست کتابهای درسی دوران طاغوت را، در بخش عمده آن، به زیاده دان افکند و کتابهایی با محتوای انقلابی عرضه کند، و اینکار در شرایط محاصره اقتصادی کشور سرعت امکان پذیر نبود و تمسویق و تاخیر را سبب میشد، بخصوص که مسامحه هم وجود داشت و نارضایتی را موجب میشد.

وزارت آموزش و پرورش انقلاب می بایست برنامه های درسی را منطبق با نیازهای انقلاب تدوین کند و این کار احتیاج به صاحب نظران انقلابی در رشته آموزش و پرورش داشت، که باید آنرا یافت، و بکار گرفت، و این با دشواریها توأم بود.

این گامهای نخستین وزارت آموزش و پرورش انقلاب، نوپا، لرزان و بی انجام بود و این بدست ضدانقلاب پنهان میداد، تا نارسائیها را بزرگ کند و افراد ساده دل را علیه انقلاب برانگیزد. اما در کنار کمبودهایی که طبیعی و جبری بود، برخی ندادن کاربها، انحصارطلبیها، غرض ریزیها و پیشداوریها نیز کارها را فلج میکرد و دشواری برمی آنگیخت و نارضایتی را سبب میشد. مثلا در زمینه پاکسازی عناصر طاغوتی از وزارت آموزش و پرورش، درباره ضرورت و ایام ضرورت بحث سیاسی و فعالیت سیاسی در محیط آموزشی غیره و غیره.

در مسئله پاکسازی، بجای آنکه مرز از میان انقلاب و ضدانقلاب بگذرد، از میان مکتبی و غیرمکتبی گذشت. نتیجه آن شد که عده زیادی از مصلحتان و دیران و مریمان مومن به انقلاب، به اتهام غیرمکتبی بودن از وزارت آموزش و پرورش طرد شدند و این خود نخست نارضایتی را دامن زد، بویژه در میان برخی گروههای سیاسی، که به آن درجه از بلوغ نرسیده بودند عمده را که پشتیبانی از انقلاب بود فدای غیر عمد ناسازند، و یا در مسئله ضرورت و ایام ضرورت فعالیت و بحث سیاسی، ماهها از وقت مسئولان و دانش آموزان و صاحب نظران تعلیم و تربیت مصروف تشریح و توضیح این امر شد و سرانجام نتیجه های هم بدست نیامد، زیرا از یکسو انحصارطلبان قصد آن داشتند که امکان فعالیت سیاسی را در محیط آموزشی از سایر گروههای سیاسی سلب کنند و بخود اختصاص دهند، و از سوی دیگر برخی از گروههای سیاسی میخواستند زیر پوشش فعالیت سیاسی و بحث سیاسی در مدارس، ایجاد تشنج و درگیری و هرج و مرج کنند، بیخیال خود مصلحتان را استوار بکنند و بیخود بگذارند، کلاسها را بهم بریزند و مدارس را تعطیل کنند، چیزی که جز خواست امپریالیسم و ضدانقلاب نبود. نتیجه آن شد که ثبات وضع در مدارس بیش از پیش متزلزل شد و حتی کار به زدوخورد کشید، چنانکه در هفته های اخیر شاهد آن بودیم.

اکنون آقای دکتر باهنر وزیر آموزش و پرورش، پدرستی مسئله تفاوت میان «فعالیت سیاسی» و «توطئه» را مطرح ساخته است. به بنییم فعالیت سیاسی چیست؟ ما از فعالیت سیاسی در مدارس چه می فهمیم و چگونه فعالیت سیاسی را سالم و سازنده میدانیم؟ فعالیت سیاسی سالم و اخلاق در مرحله کنونی انقلاب ما و در شرایط روپارویی مستقیم امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی با نظام جمهوری اسلامی ایران، فقط و فقط آن فعالیت سیاسی است که در جهت همیاری و همکاری و هماهنگی نهادهای مدرسه باشد و نه در راستای تقابل و رودرروئی. فعالیت

ردپشهادهای ایران برای آزادی «گروگانها»...

نزدیک به دوامه از اعلام شرایط ایران برای آزادی «گروگانها» میگردد. دولت آمریکا، که پیش از اعلام شرایط ایران، ظاهراً برای آزادی «گروگانهای» جاسوس بی تابی میکرد و در تبلیغات خود می گفت که «امریکا حتی یک نگاه هم برای نجات گروگانها درنگ نخواهد کرد»، در طول این دو ماه بیوسته بازی در آورده و این دست و آن دست کرده است. سرانجام هم مقامات آمریکائی بعد از انتشار آخرین پاسخ دولت ایران در مطبوعات کشور، اعلام داشته اند که شرایط ایران از مسئولیت کارتر خارج است و ممکن است مساله «گروگانها» تا روی کار آمدن ریگان طول بکشد!

بلافاصله بعد از اعلام شرایط ایران توسط مجلس شورای اسلامی، اندهوند ماسکی، وزیر امور خارجه آمریکا، گفت: «هنوز بسیاری از مطالب باید روشن شود».

او اضافه کرد: «شرایطی که ایران برای هدفهای آزاد شدن گروگانها قایل شده، باید با هدفهای اصلی آمریکا سازگار باشد».

(اطلاعات - ۱۳ آبان ۵۹)

بعد از این سخنان، همانطور که انقلابیون، با شناخت ماهیت امپریالیسم آمریکا، بارها و بارها اعلام کرده بودند، امپریالیست ها یکی به میخ و یکی به نعل زدن، را پیشه کرده و در حالیکه از دادن جواب به ایران طفره می رفت، سعی کرد به پنهان گشت و گو با مقامات ایرانی درباره «گروگانها»، راه مذاکره با ایران را، که قبلاً مجلس شورای اسلامی حتی آنرا از طریق غیر مستقیم هم رد کرده بود، به دولت ایران تحمیل کند.

بندبازی سیاسی دولت آمریکا یکماه ادامه پیدا کرد. پسوند نیوی، وزیر مشاور در امور اجرائی، این بندبازی سیاسی را چنین افشا کرد:

«همانطوریکه قبلاً هم اعلام کردیم، جواب آمریکا به جواب صریح و بدردخور نیست. البته اول اعلام شده بود که چهار شرط ما را پذیرفته اند، اما وقتی متن اصلی پاسخ آنها را دریافت کردیم، متوجه شدیم، بجای شروط توجیه شده بوسیله مجلس، آنها می خواهند مسائل دیگری را در این شروط دنگنچاند، و بضمم مشکلات قانونی و تفکیک قوا را در امریکا مطرح کرده اند... امریکاصریحا نگفته که شرط اول یا مثلا سوم را پذیرفته و یا شرط دوم را رد کرده...»

(اطلاعات - ۱۰ آذر ۵۹)

بعد از این افشاکاری، باز هم دولت آمریکا به بندبازی خود ادامه داد و در حالیکه نمایندگانش در آمریکا مرتباً به الجزایر می رفتند و برمی گشتند و امپریالیسم خیری، هم از «ملاقات قریب الوقوع مقامات ایران و آمریکا» خبر میداد، مقامات مسئول ایران اعلام کردند که اگر آمریکا بازم از دادن جواب طفره برود، ضرب المثل تعیین میشود و بعد از پایان آن، «گروگانهای» جاسوس تسلیم دادگاه انقلاب خواهند شد.

سرنجام روز یکشنبه ۳۰ آذر ۵۹ پاسخ نهائی دولت ایران به آمریکا در مطبوعات کشور منتشر شد. بلافاصله بعد از اعلام این پاسخ، مقامات آمریکائی به آن جواب رد دادند. اندهوند ماسکی، وزیر امور خارجه آمریکا گفت: «آخرین شرایط ایران برای آزادی گروگانها غیر منطقی است».

(آزادگان - ۲ دی ۵۹)

هارولد پروین وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد: «آمریکای برای آزادی گروگانها پولی نخواهد پرداخت» (همانجا)

جودی باول سخنگوی کاخ سفید گفت: «درخواست ایران دربار سرچون وثیقه مالی نیست و چهار میلیارد دلاری از جمله درخواست هائی است که آمریکائی تواند و نمی خواهد مسئولیت آنرا به عهده بگیرد».

(اطلاعات - ۲ دی ۵۹)

جودی باول همچنین شرایط ایران را با «شرافت ملسی» آمریکا مغایر دانست و گفت کارتر نخواهد توانست این شرایط را انجام دهد.

اندهوند ماسکی نیز گفت: «قبول این شرایط خارج از اختیارات قانونی رئیس جمهور آمریکا است».

(اطلاعات - اول دی ۵۹)

هر چند تاکنون آمریکا به ایران جواب رسمی نداده، اما همانطور که جودی باول گفته است:

«وقتی هم که (آمریکا) پاسخ بدهد، با آنچه که خود من و ماسکی وزیر خارجه دریافت کرده ایم، تفاوتی نخواهد داشت».

(کیهان - ۲ دی ۵۹)

و درست همان زمان با این سخنان مقامات آمریکائی، بار دیگر «امپریالیسم خیری» درباره «گروگانهای» جاسوس به جنجال پرداخته است. در متن این جنجال، ساز اصلی را مقامات آمریکائی میزنند. وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرده است که «گروگانهای» جاسوس آمریکا در زندان بسر می برند و یا آنها

آیت الله دکتر بهشتی:

امریکا مدعی تمام دنیا است

صحت از سوء قصدهایی هست که ملت از آنها آگاه می شوند و هستند، توطئه هائی هست.

آنگاه می شود و روزنامه اطلاعات از ایشان (آیت الله منتظری) - درباره سازمان مجاهدین خلق ایران) خواندم، آنرا مطابق نظریات خود میدانم.

آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در مصاحبه هفتگی مطبوعاتی خویش، که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد، به سوالات آنان پاسخ گفت.

دکتر بهشتی در پاسخ سئوالهای مربوط به توطئه سوء قصد به جان آیت الله موسوی اردبیلی و ارتباط آن با دشمنان «خط امام»، ضمن تأکید بر اینکه این سوء قصدها علیه اشخاص نیستند، بلکه علیه مردم هستند، گفت:

«صحت از سوء قصدهایی هست که ملت از آنها آگاه می شوند و هستند که توطئه هائی هست. کسانی که در راه یک انقلاب به سود مردم گام برمی دارند از ناحیه مخالفان این گونه انقلابی الهی - مردمی، هواره مورد هجوم هستند. امیدوارم که اینگونه توطئه ها هرچه زودتر کشف و خنثی شود، اما بهرحال در اراده قاطع ماکترین تأییری نخواهد داشت».

آیت الله دکتر بهشتی درباره مسئله «گروگانهای» جاسوس آمریکائی و احتمال محاکمه آنان، تأکید کرد که در صورتیکه آمریکا بطور رسمی با شرایط ایران مخالفت کند و «پس از اینکه محقق شد چنین محاکمائی باید صورت گیرد، شورای عالی قضائی دادگاه مناسب این کار را مشخص خواهد کرد».

دکتر بهشتی در پاسخ سئوال مربوط به ادعای آمریکا نسبت به سجزیره ایرانی و پاسخ ایران گفت:

«آمریکا مدعی تمام دنیاست و فقط این سه جزیره نیست. جویبی هم وقتی لازم باشد ملت میدهد و تاکنون داده است و باز هم می دهد».

آیت الله بهشتی همچنین در مورد انتشار پاسخ ایران به شرایط آمریکا در جهان گفت:

«ما جواب را در اختیار دنیا گذاشتیم و به دو زبان پخش شد تا دنیا بداند که دولت ولایت ایران درباره این گروگانها تصمیم روشن و مستند خود را گرفته اند و آمریکا نیز از این روی این مسئله مانور تبلیغاتی کند».

دکتر بهشتی در پاسخ این سئوال که آیا چهار شرط ایران، حرف آخر ایران است یا احتمال تغییر در آن هست، تأکید کرد:

«یک ملت انقلابی همیشه حرف آخر خود را اول می گوید».

آیت الله بهشتی درباره مسئله بیگاری و لزوم رفع آن گفت:

«بظن من برای مبارزه با بیگاری و ایجاد اشتغال، برنامه های بادوام عمومی لازم است و هم اکنون یک گروه اقتصادی برای کارهای اساسی اقتصادی نظام و برنامه ریزی می کند که امیدوارم به ثمر برسد».

دکتر بهشتی در پاسخ این سئوال که: «نظر شما درباره اظهارات آیت الله منتظری نسبت به یکی از گروههای سیاسی چیست؟» گفت:

«ایشان نظر خودشان را گفتند، ولی من آنچه از نظر ایشان در روزنامه اطلاعات خواندم، آنرا مطابق می دانم با نظریاتی که خود دارم».

آیت الله بهشتی در سئوال مربوط به متمم قانون اساسی و لزوم آن از جمله گفت:

«یک قانون اساسی بهر صورتی که نوشته شود، نمی تواند همه جوانب را دارا باشد لذا می بیند در کشورها و جوامعی که انقلاب شده، هر چند سال یکبار قانون اساسی دوباره بررسی می شود، در شوری بعد از انقلاب اکثری قانون اساسی نوشته شد و بعد از ۶ سال در ۱۹۴۴ قانون اساسی دوم و در ۱۹۴۶ قانون اساسی سوم به فاصله ۱۲ سال نوشته شد. به این دلیل است که شرایط انقلاب این امکان را نمیدهد که پدیده ها و مسائل، آنطور که باید شناخته شوند، ضمن تجربه، کمبودهای یک قانون اساسی شناخته شده و بعد از تجدیدنظر اصلاح می شود».

دکتر بهشتی در جواب دیگری تأکید کرد که مسئله خروج میلیونها دلار ارز بنام ارز دانشجویی، با ترتیب اولویت کارها، مورد رسیدگی قوه قضائیه قرار خواهد گرفت.

آیت الله بهشتی در مورد تلاشهایی که برای ایجاد توافق نظر جهت تعیین بانی وزراء، میان نخست وزیر و رئیس جمهور، انجام شده و باید بشود، ضمن تأکید بر اینکه این تلاشها ادامه می یابد گفت:

«ولی گاهی اختلاف دیدها هست که به اینگونه تلاشها حل نمی شود، امیدوارم مجلسی که پیش از همه می تواند در این مورد نقش داشته باشد، درباره تعیین بقیه وزراء موفق شود».

تجاوزگران... یک وظیفه انقلابی است!

شده ۵ دستگاه نفربر فریب خوردهگان صدام را منهدم و تلفاتی به دشمن وارد کنند. برائترین عملیات ستونهای نظامی دشمن که قصد حرکت به سوی این منطقه را داشتند، ساعتها مجبور به توقف شدند. برادران جان برکف سپاه پس از انجام این عملیات سالم به پایگاه خود بازگشتند.

۳- واحد خمپاره انداز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زفول، اول دیماه، مواضع دشمن را در غرب رودخانه کرخه هدف قرار داد و به ۲ دستگاه تانک و یک دستگاه نفربر دشمن خساراتی وارد آورد. در جریان این عملیات حداقل ۴ تن از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند. در این عملیات، برادران رزمنده سپاه تلفاتی وارد نیامد.

۴- مازشهر کرد ۱۲۰۰ ریال
شیرازشهر کرد ۱۰۰۰ ریال
سهری از شهر کرد ۲۰۰۰ ریال
کاره کوچولو از شهر کرد
روزبه از شهر کرد ۲۰۰۰ ریال
ج - شرف از شهر کرد ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

سیاسی باید به بهبود کارها کمک کند و نه آنکه کارها را متوقف و مختل سازد. طرح هر مسئله ای که به جدائی نبیاد، تمیق اختلاف و فلج کردن کارها بیانجامد زیانبخش است

همه گروههای سیاسی حق دارند نظریات صحیح خویش را ارائه دهند، در تصمیم گیریها مشارکت کنند و در پیشبرد نظریات خود مدرسه را، به درگیری و تشنج و قدرت نمائی بکشانند. بهترین هدف هر گروه سیاسی انقلابی و صادق باید پاسداری از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن در برابر امپریالیسم متجاوز باشد، و همه اهداف دیگر، در خدمت این مهم ترین هدف قرار گیرد. یا حرکت از این مبدا، هیچ گروه سیاسی حق ندارد افراد خود را زیر پوشش فعالیت سیاسی، به تحریک و تشنج برانگیزد، هیچ گروه سیاسی حق ندارد، بجای فعالیت سیاسی، علیه نظام برخاسته از انقلاب توطئه کند. اگر بحث سیاسی است باید دوستانه باشد و بر زمینه تفاهم و اقیان انجام شود و نه خصومت و نفاق. اگر انتقاد است، باید سازنده باشد و نه کوبنده و نابود کننده. اگر فعالیت سیاسی است باید در جهت غنی ساختن تصمیمات و پیشبرد و بهبود امور این مسئله مهم را باید همواره در نظر داشت که ما با نظامی سرورکار داریم که مولود انقلاب است و آراء اکثریت مطلق مردم آنرا تأیید کرده است. هر عنصر انقلابی وظیفه دارد که خود را در کنار و همگام این نظام برخاسته از انقلاب قرار دهد و نه در مقابل آن. آن شیوه هائی که در مبارزه با رژیم ضد خلقی و وابسته طاغوت مجاز بود، امروز بکلی غیر مجاز است و هر کس و بیچ عنوان نباید بکار گرفته شود. هر سازمان و گروه انقلابی باید خود را متحد نظام برخاسته از انقلاب بداند و نه رقیب و دشمن آن، و تمام رفتار و کردار خود را در این چارچوب، یعنی پاسداری از نظام جمهوری اسلامی ایران تنظیم کند.

باید با این گفته وزیر آموزش و پرورش توافق داشت که: از هر چه در طریق رشد افکار جامعه و در جهت سازندگی باشد، باید استقبال کرد و در برابر هر توطئه ای ایستاد.

و ما بر آن می افزاییم که: این اصل انقلابی را باید با دقت و وسواس اجرا کرد، تا از هیچ سو مورد سوء استفاده قرار نگیرد.

شیوه درست مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک کدام است؟

برای برخورد سرابادشنام و افترای برخی از روزنامه‌هایی که در خط امام حرکت می‌کنند به حزب توده ایران، نمی‌توان هیچ گونه حمل منطقی و معقولی یافت. ممکن است بگویند که ما با حزب توده ایران اختلاف نظر داریم و بر پایه این اختلاف نظر به مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک مشغولیم. بسیار خوب. ولی نیروهای انقلابی و خلقی و نیروهایی که عملاً در جبهه انقلاب ما قرار دارند، مقدم بر هر چیز دیگر، باید بر روی نقاط مشترک تکیه کنند. نقاط مشترک بین خود را جستجو نمایند و ببینند، تا بتوان جبهه متحدی برای مقابله با این همه دشمن خطرناک، که انقلاب ایران در خارج و داخل کشور دارد، ولو در عمل، بوجود آورد و اتحاد همه کسانی را که به انقلاب صادق هستند، تحکیم کرد. این وحدت عمل است که ضامن اصلی پیروزی است و امام خمینی آن را در اکثریت سخنانشان مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند. به همین جهت اگر کسی واقعا علاقمند به موفقیت قطعی و نهایی این انقلاب است، نقاط مورد اختلاف را، که بین نیروهای صادق به انقلاب، نیروهای صادق به رهبری امام خمینی وجود دارد، نباید بر حسته کند و آن را از نقاط مشترک عمده‌تر گیرد. همانطور که گفتیم، البته بین نیروهای به رهبری امام خمینی را در انقلاب ما می‌بینیم، نقاط اختلاف هم، از جمله در مسائل سیاسی و ایدئولوژیک وجود دارد. تازه اثر بخواهیم در همین شرایط ناساعد، راجع به این نقاط اختلاف جر و بحث کنیم، این کار باید به شیوه‌ای متین و دوستانه انجام گیرد و انتقادات جنبه استدلالی داشته باشد و بخاطر جستجوی حقیقت باشد. در اینجا هم باید یافتن نقاط مشترک و کاهش اختلاف و حفظ و تحکیم وحدت هدف قرار گیرد، نه برعکس.

این طرز کار نه تنها در مورد نیرو-هایی که صادقانه رهبری امام خمینی و خط انقلابی او را می‌پذیرند، باید حتما و حتما مراعات کرد، بلکه حتی با نیروهای سازشکار لیبرال هم باید برخورد اصولی و روشنگر باشد، یعنی به سازگویی و افترازی و برخورد-های شخصی نباید دست زد. باید با استدلال، با ارائه سند و مدرک و نمونه

و مثال، نادرست و غیرانقلابی و یا حتی ضدانقلابی بودن یک خطرناک را نشان داد. کسانی که فکری کنند روزنامه نگاری و بحث سیاسی و ایدئولوژیک، یعنی جاز و جنجال با الفاظ وسیع برای لطمه زدن به حیثیت و اعتبار طرف مقابل از راه افترا و ناسزا، واقعا عقب ماندگی عجیب سطح فکر و اخلاقیات خود را نشان می‌دهند. مگر در این مطلب جای کمترین شک باقی است؟

متأسفانه این روش زشت به ویژه در مورد مخالفان و دشمنان حزب توده ایران صادق است. ما هنوز ندیده‌ایم که با استدلال منطقی، با ارائه اسناد و مدارک قابل اطمینان، بدون پیشداوری، بدون جنجال و لجن پراکنی، چیزی گفته شود و اثبات گردد که این نظر، سیاست، موضع گیری شما، به فلان دلیل و فلان دلیل غلط و مضراست. نه! ابد! چنین چیزی را شما در جرایم مخالف حزب توده ایران نمی‌بینید. به نظر شما کافی است بگویند "حزب توده مزدور" و "واپسته"، "خائن"، "با آن سوابق" یا "اشتباهات" با آن "خیانت‌ها" و آن وقت مسئله مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک با حزب توده ایران فوراً حل می‌شود!

"تقصیر حزب توده ایران جز مبارزه پیگیری با استعمار و استبداد و استثمار چیست؟"

در باره "خیانت" حزب توده ایران (که گویا "خیانت" به دولت دکتر مصدق است) این روزها کتابی انتشار یافته تحت عنوان "تقریرات مصدق در زندان" این کتاب به گوش آقای ایرج افشار نشر یافته و یادداشت‌هایی است که سرهنگ جلیل بزرگمهر، وکیل دکتر مصدق در دادگاه نظامی، از تقریرات دکتر مصدق برداشته است و دکتر مصدق در این تقریرات، از ملاقات‌های خود با محمدعلی شاه تا وضع خود در زندان زرهی را توصیف کرده و متضمن مطالب جالبی است. در صفحه ۱۳۳ این کتاب، تحت عنوان "توده، کمونیسم، کودتای ۲۸ مرداد"، مطالبی است که تقریباً عین این مطالب را در کتاب مصدق در دادگاه خود گفته بود. در قضاوت دکتر مصدق، صرف نظر از اصطلاح اودرباره حزب توده ایران، یک چیز روشن است و آن این است که، چه کسی به دولت دکتر مصدق خیانت ورزیده است. دکتر مصدق

در این تعریفات ارجله می‌گوید: "ما از این‌ها (توده‌ای‌ها) ترس نداشتیم. ترس از کاری نبود که شد. یعنی با توپ زدند و ما از بین بردند. ترس، از خیانت قوای انتظامی و کودتا بود که شد. آقا! حالا ببینید پنج ماه است که از واقعه مرادمی گذرد و حکومت نظامی هزارها نفر از مردم را گرفته و هزارها خانه مردم را گشته. مگر بغیر از چند تا تفنگ "حسن موسی" چیزی دیگر گیرش آمده است؟ آن هم با آن همه تبلیغات! مگر توده‌ای‌ها با این چیزها می‌توانستند دولت را ساقط کنند؟ یک تانک، یک مسلسل که جلو این‌ها در می‌آمد، کافی بود. آقا! این‌ها که اسلحه نداشتند. دست خالی چه کاری می‌توانستند بکنند؟" (کتاب ذکر شده، صفحات ۱۳۳-۱۳۴)

در بیانات دکتر مصدق یک چیز روشن است و آن این است که: خیانت را به او شاه و زاهدی و ارباب امیرالیستی آن‌ها، کرده‌اند. نه حزب توده ایران. یعنی در واقع دکتر مصدق صریحا می‌گوید که تهمت تدارک برای کودتا از جانب توده‌ای‌ها، (که روزنامه‌های "شاهد" و "شهران مصور" هر روز می‌نوشند: "توده‌ای‌ها می‌آیند!") دروغ صرف بود و توده‌ای‌ها قصد ساقط کردن دولت مصدق را نداشتند و نمی‌توانستند داشته باشند.

خوب، این سند و مدرک انکارناپذیر تاریخی است. با این حال بهتان "خیانت توده‌ای‌ها" تکرار می‌شود!

این شیوه‌ها نه با اخلاق انسانی، نه با اخلاق انقلابی و نه با اخلاق اسلامی، که برخی از پنهان زندگان مدعی آن هستند، ابداع منطبق نیست و گمان نمی‌کنیم این مطلب نیاز به اثبات داشته باشد.

بخصوص کسانی که خود را پیرو خط امام می‌دانند و ما نمی‌خواهیم در صداقت آن‌ها شک کنیم و می‌گوییم که مدافع معنویات هستند، باید راه روزنامه نگاری سالم، شیوه بحث سیاسی و ایدئولوژیک سالم را یاد بگیرند و دستور قرآن را که "جادلهم باللیتی هی احسن" است در عمل بکار بندند، والا از "اخلاق اسلامی" چه چیزی در روش آن‌ها باقی می‌ماند؟

در واقع ما از دشمنان و افتراهای ضدانقلاب و مائوئیست‌ها و لیبرال‌ها

تعمی نداریم. ولی وقتی هجوم‌های زشت از جانب کسانی که ما از روش سیاسی آن‌ها (به لحاظ هماهنگی این روش با خط امام) حمایت می‌کنیم شروع می‌شود، متأسف می‌شویم، زیرا معتقدیم کسانی که در مبارزه ضد امیرالیستی در یک صف قرار گرفته‌اند، باید وحدت را عمده بدانند و اختلاف را اگر مطرح می‌کنند، با مراعات اصل وحدت مطرح کنند.

ولی ما توده‌ای‌ها خوب می‌دانیم در جهانی که در آن استکبار و استثمار هزارها سال نفوذ داشته، آن انقلابیونی که می‌خواهند بقول حافظ "فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند"، آن انقلابیونی که بی‌گسرت‌ترین حامیان عدالت اجتماعی و حقوق بشری هستند، باید خود را برای هر نوع واکنش، از سرب آتشین گرفته تا افترا زهر آگین، هم از صف مقابل و هم حتی متأسفانه از درون صفوف خودی، آماده کنند. باران عدالت که خواسته‌اند تا آخر به پیمان خود وفادار باشند، همیشه در تاریخ با این جریان روبرو بوده‌اند.

ما در عین حال می‌دانیم که این طرز "بحث" کردن و "مبارزه" کردن علامت قوت نیست، نه علامت قوت منطقی است و نه علامت قوت معنوی. اشغال مراکز حزب ما، سوزاندن کتاب‌های ما، غارت کردن نشریات ما، تحریک جماعت‌داران علیه ما، دشمنان بیخ کردن ما در جرایم، دادن اعلامیه‌های سراپا جعل و دروغ، که در محل فعالیت ما "هروغین و عرق و ورق و گلوه و بمب ساعت دار و غیره کشف شده" (!) روش‌هایی است که تنها به آن صفت "اوباشانه" برانده‌است، ولی این صفت برانده افراد انقلابی نیست.

ما می‌دانیم که انقلابیون اصیل مسلمان پیرو خط امام در این جریان‌ها دخالتی ندارند. ما از نقش‌عمل نقابدار امیرالیسم و ضدانقلاب داخلی، نقش عناصر قشری و متعصب، که تصورات عجیبی درباره "مارکسیست‌ها" دارند و به آسانی تلقین پذیرند، غافل نیستیم. ولی از انقلابیون اصیل و فهمی مسلمان پیرو خط امام چشم داریم که از نفوذ خود استفاده کنند و جلوی این سیلاب گل‌آلود را بگیرند، زیرا عمل این عناصر فاسد یا نادان (باهر در) نمی‌تواند حزب توده ایران را از میدان

بدرگند، ولی موجب می‌شود که حیثیت عمومی انقلاب صدمه ببیند. لذا هیچ بهانه‌ای در این زمینه مسموع نیست. برخی از این مدعیان پیروی از خط امام - از روی عمد یا از روی گمراهی نمی‌دانیم و بقول سعدی نمی‌خواهیم "در پوستین کسی بشویم" - سیاست یکپام و دوهوا دارند. مثلانتم‌هایی که لیبرال‌ها به مسلمانان انقلابی می‌زنند، "تهمت" است - که تهمت است - ولی همان لیبرال‌ها، وقتی توده‌ای‌ها را بیاد دشنام و افترا می‌گیرند، سخنانشان از جانب برخی‌ها، که مدعی پیروی از خط امام هستند، عینا تکرار می‌شود و به آن‌ها تکیه می‌گردد!

پشتیبانی صادقانه حزب توده ایران از خط ضد امیرالیستی و خلقی امام خمینی تاثیر مثبت مهمی در پیشرفت و تحکیم این خط صحیح و عدالت آمیز داشته است و دارد. ما نمی‌خواهیم کسی از عمل ما، که اجراء یک وظیفه اجتماعی و انقلابی است، ممنون باشد، ولی ما می‌خواهیم که دیگر آن برجسب‌های ناروا و ناپسند، که در فوق ذکر کردیم، از جانب کسانی که مدعی پیروی از خط امام هستند، تکرار نشود، زیرا این روش‌های زشت و ناپسند با هیچ اصل اخلاقی و انقلابی وفق نمی‌دهد. این روش‌ها ضما عاقبت ندارد، چون ظلم است.

علت این روش‌ها چیست؟ علل مختلف است و یکی از آن علل، شانتاز ضدانقلاب و مائوئیست‌ها و لیبرال‌ها است که برجسب "توده‌ای" بودن به مسلمانان انقلابی می‌زنند و برخی از آنها هم در دام این شانتاز می‌افتند و برای "تبرئه" خویش از این برجسب‌ها، تصور می‌کنند که راهش دشنام گویی و افترازی به حزب توده ایران است.

ولی ما در دام شانتاز نمی‌افتیم. مگر به ما نمی‌گویند: "شما دنباله رو آخوندها شده‌اید"، "جاده صاف کن دیکتاتوری ملاحهاستید" و... ولی ما نتیجه نمی‌گیریم که برای "تبرئه" خود باید پاشنه دهن خود را بکشیم و روحانیت مبارز پیرو خط امام را تخطئه کنیم. هرگز! اگر ما هم در دام شانتاز می‌افتادیم، منظره تکمیل می‌شد و دشمن به هدف می‌رسید. مایبگیر و استوار به پشتیبانی از خط ضد امیرالیستی و خلقی امام خمینی ادامه می‌دهیم. دیده بر عاقله است.

در سال‌های گذشته گام‌های مشخصی در جهان در راه همزیستی مسالمت‌آمیز میان نظام‌های اجتماعی گوناگون، تنش‌زدایی و مقابله با خطر جنگ هسته‌ای برداشته شده است. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، بر پایه موضع گیری‌های اصولی خود، همواره برای تحکیم صلح جهانی، خاتمه مسابقه تسلیحاتی، پشتیبانی از نبرد رهایی بخش خلق‌ها و براندازی استعمار و نژادپرستی کوشش ورزیده‌اند.

از سوی دیگر، جو تنش‌زدایی نسه به مشام تجاوزه‌کارترین نیروهای امیرالیستی و ارتجاعی خوشایند است و نه برای رهبری چین، که اینک به یار و یاور امیرالیسم ایالات متحده تبدیل شده است.

در باره اوضاع اردن

با توجه به اوضاع جهانی و منطقه، ایمن برش پیش می‌آید که: این اوضاع جهت‌ثابتی بر سیاست رژیم کنونی اردن داشته و اصولا موضع گیری‌های این رژیم چگونه بوده است؟ باید به خاطر داشت که اردن از نظر سیاسی، مالی و نظامی با آن نیروهایی هم پیوند است، که پیوسته در صدد جنگ افروزی و تنش‌زدایی درگستره بین‌المللی هستند. در این زمینه ایالات متحده از مقامی ویژه برخوردار است. این پدیده‌باری است سنگین بر دوش کشور ما و سیاست آن راجه در عرصه داخلی و چه در زمینه خارجی - مورد تاثیر قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، اسرائیل به سیاست اشغالگری، تجاوز و ایجاد آبادی‌های جدید ادامه می‌دهد. این سیاست همچنین اردن را به خطر می‌اندازد، که رژیم آن، مقاصد خود را مبنی بر احیای نقشم ایجاد اصطلاح یادشاهی متحده عرب در کرانه

(از گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اردن)

خاور میانه: واقعیت‌ها و چشم‌اندازها

تجاوز به خاک و تمامیت اردن استفاده جوید، ادامه چنین سیاستی از سوی اردن با منافع هر دو خلق برادر اردن و فلسطین مغایرت دارد. برای دفاع از منافع دو خلق و تضمین آنها باید سیاستی اختیار کرد، که با نقشه‌های امیرالیسم، صهیونیسم و رژیم سادات به مقابله بپردازد، همبستگی عمیق تر و اقدامات هماهنگ‌تری را با "جبهه‌پایداری و رویارویی عرب" جویا باشد و جبهه داخلی را برای دفاع مردم از منافع خویش بسیج دهد. همچنین ضرورت دارد که، بر پایه‌ای استوار، مبارزه خود را علیه اشغال فلسطین و برای تحکیم مقاومت مردم سرزمین‌های اشغالی با "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" هماهنگ سازیم.

باید خاطر نشان ساخت که رژیم از ضعف اقتصادی کشور، به عنوان بهانه‌ای برای ادامه پیوندهای خویش با امیرالیسم و ارتجاع عرب و جهان استفاده می‌جوید، این پیوندها با استقلال اردن ماینت دارد و آنرا "اسیر" این "خیر-اندیشان" و سیاست آنها می‌سازد، از سوی دیگر،

های خاوری و باختری رود اردن و نوار غزه پنهان نمی‌دارد. در همان حال، قرارداد‌های "کمپ دیوید" درباره به اصطلاح خودمختاری سبب میشود که اسرائیل بر کرانه باختری و نوار غزه نظارت کامل بیابد. بنابراین، احتمال آن هست که موضعی برای ایالات متحده آمریکا، سادات، اسرائیل و به طور کلی سیاست امیرالیسم، اردن را آماج گسترش طلبی اسرائیل سازد و آن‌را به پذیرش تجاوز و ادامه اشغال (سرزمین‌های عرب) و خودداری از پشتیبانی از حقوق مردم عرب فلسطین وادارد.

سیاست کنونی اردن هم مبهم است و هم متضاد. این سیاست نه به سود استقلال اردن و مبارزه خلق ما علیه گسترش طلبی اسرائیل است و نه به منافع پیکار مردم فلسطین در راه دستیابی به حقوق خویش. فزون بر این، چنین وضعی به اسرائیل امکان می‌دهد که کماکان به پایمال حقوق خلق فلسطین، از جمله حق زیست در سرزمین خویش، بپردازد و از هر فرصت برای

همه کس می‌داند که "خیراندیشان" نامبرده قصد دارند اردن را از نظر اقتصادی و مالی همچنان عقب‌افتاده و ضعیف نگه‌دارند و از این راه برای پیشبرد منافع سیاسی و استراتژیک خود استفاده کنند.

در گستره اقتصادی، تا کنون دولت‌های گوناگون در پاره "اتکا" بر خود، "بهره‌جویی از توان خویش" و تدوین "برنامه‌های عمرانی" به لفاظی پرداخته‌اند. اما، در عمل، این سیاست به پیدایش دستگاه عظیم بوروکراسی دولتی، افزایش امتیازات مأموران بلند پایه و وابستگی فزاینده به "پشتیبانی خارجی" منجر شده است.

دیون خارجی اردن از ۲۸ میلیون دینار در سال ۱۹۷۰ به ۳۱۵ میلیون دینار در سال ۱۹۷۹ افزایش یافت.

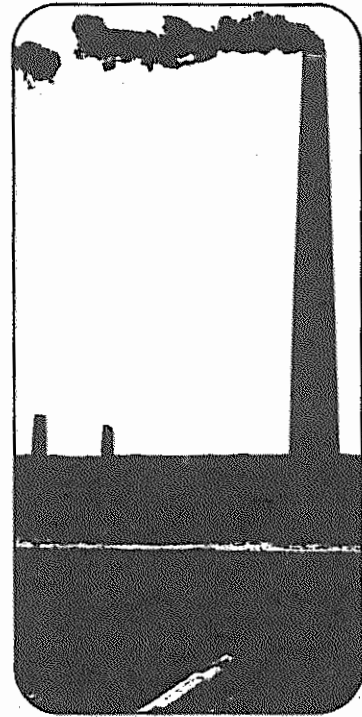
فساد و بی‌تفاوتی رایج در دستگاه بوروکراتیک سبب گردیده است که بسیاری از پروژه‌های اقتصادی، که زیر نظر دولت و با شرکت آن انجام می‌گیرد، به منبع سرشاری برای ثروت‌اندوزی مقاطعه‌کاران و کارمندان بلند پایه تبدیل شده است، که از هیچ‌گونه زدو بند، سوءاستفاده، اهمال و اختلاس آبا نمی‌ورزند. در این گستره باید یادآور شد که، وابستگی به امیرالیسم و ارتجاع، اردن را از کمک‌های صادقانه و بی‌دریغ کشورهای سوسیالیستی محروم می‌سازد.

تولید کشاورزی در اردن به سطحی بسیار پست تنزل یافته است. در سال ۱۹۷۹، کشور ما تنها ۱۶ هزار تن گندم تولید کرد، که تنها ۴/۵ درصد نیازمندی ما را برآورده می‌سازد. تولید دامپروری نیز رو به کاهش است، به طوری که کشور ما اکنون مجبور است ۸۰ درصد گوشت و ۹۰ درصد شیر مورد نیاز خود را از خارج وارد کند. ذخیره های آب کفایت آبیاری تنها ۴۰ درصد زمین‌های

بقیه در صفحه ۶

کارگران کوره پزخانه‌های سمنان:

ما همه آماده ایم تا از انقلاب خود دفاع کنیم!



باید تولید را افزایش داد

در کوره پزخانه‌های سمنان، کارگران نیشابوری، قوچانی، سبزواری و آذربایجانی کار میکنند. این کارگران سالهاست که در سمنان، در کنار کوره‌ها، با تفاتی افراد خانواده خود زندگی مشقت باری را می‌گذرانند. در این کوره پزخانه‌ها تنها چیزی که رعایت نمی‌شود، قانون کار است.

صاحبان کوره پزخانه‌ها هنوز نمی‌خواهند خود را با انقلاب بزرگ ایران، که به بهای خون ده‌ها هزار شهید بدست آمده است، وفق بدهند. آنها هنوز به شیوه گذشته با کارگران بی‌خورده میکنند.

برای اطلاع از وضع کار و زندگی کارگران کوره پزخانه‌ها، با یکی از کارگران به گفتگو نشستیم. او گفت: "من اهل نیشابور هستم و مدت هشت سال است که اینجا کار میکنم. کار من چرخشی است و باید بیدار تنها بی خواب کوره چین را بدم. فاصله بین قالبها تا کوره خیلی زیاد است و صاحب کوره پزخانه فقط یک نفر را ما مور کرده است تا خشت‌ها را به طرف کوره ببرد. در صورتی که برای اینکار به افراد بیشتری نیاز هست."

او اضافه کرد که: "هر روز از ساعت پنج صبح تا شش بعد از ظهر کار میکنم." کارگرسیس ضمن نشان دادن پای خود گفت: "در اثر طوبیت زیاد به پا درد دچار شده‌ام با اینکه فقط ۲۴ سال بیشتر سن ندارم، با این وجود این بیماری برایم پیش آمده است. پیش پزشک هم نمی‌توانم بروم، برای اینکه پول ندارم. مدتی پیش مدت هفت هفته در بیمارستان بستری شدم، ولی پیش از این مدت برایم امکان نداشت که در آنجا بمانم. خوب من یک کارگر هستم و اگر یک روز کار نکنم، فردا بساید گرسنگی بکشم."

او اضافه کرد که: "در اینجا هیچ چیز ما بهداشتی نیست، حتی آب آشامیدنی ما. صاحب کوره پزخانه آب را بوسیله تانکر داخل حوض میریزد. پس از مدتی حشرات ریز، موش‌مرده، قورباغه و غیره در آب جمع میشوند و ما هم مجبوریم از این آب آلوده استفاده کنیم. ما اگر برای خرید ما محتاج زندگی بخواهیم به شهر برویم، اتومبیل در اختیار نداریم و اگر یک شب فردی از خانواده ما مریض شود و یا دچار سانحه‌ای شود، باید مریض تا صبح درد را تحمل کند."

کارگرسیس اظهار داشت که: "تعداد کارگران قالب‌بزن کم شده است چون برای آنها کار نیست. صاحبان کوره پزخانه‌ها در فصل زمستان قالب‌انبار می‌کنند، تا در زمستان از آنها استفاده نکنند. با این جهت قالب‌زن‌ها با فرار رسیدن فصل زمستان بیجا میشوند، از طرفی هم حقوق قالب‌زن‌ها خیلی کم است و آنها با این حقوق قادر به زندگی نیستند."

از کارگر در مورد جنگ تجاویز و تحمیلی رژیم صدام علیه ایران پرسیدیم. در پاسخ گفت: "من دوست دارم در کنار برادرانم در جبهه جنگ باشم تا علیه مزدوران عراقی بجنگم. ما همه آماده ایم تا از انقلاب خود دفاع کنیم. من آمسوزش نظا می دیده‌ام و هر وقت که به وجود من احتیاج بود، آماده‌ام برای نبرد با تجا و زگران بعضی به جبهه بروم."

از او پرسیدیم: محرک اصلی این جنگ چیست؟ او گفت: "محرک اصلی آمریکا است و عراق هم دستور آمریکا به ایران تجا و زکرده است." از او پرسیدیم: حال که شما در جبهه نیستید، چه کمکی میتوانید به انقلاب بکنید؟ در پاسخ گفت: "ما باید هر چه بیشتر تولید را با لایبریم‌ها بتوانیم قدرت اقتصادی کشور را افزایش دهیم."

کارگرسیس دیگر تاکید کرد که: "هر وقت شما دستور دهند، آماده ایم که به جبهه اعزام شویم و از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم." * * * مسئولین امر می‌توانند با توجه به خواستهای قانونی کارگران، شور انقلابی را در وجود آنان زنده نگاهدارند. تنها با این صورت است که میتوان نور امید را در قلب آنها تاباند و آنها را هر چه بیشتر به انقلاب و دستاوردهای آن امیدوار ساخت.

کارخانه آلومرول اراک، در کیلومتر ۴ جاده اراک - تهران قرار گرفته است. کارخانه "شرکت سهای خاص" است. در این کارخانه حدود ۳۰۰ کارگر و کارمند بکار اشتغال دارند. دستمزد کارگران کارخانه، قبل از پیروزی انقلاب، ۲۶۵ الی ۲۸۵ ریال بود که پس از پیروزی انقلاب به ۶۲۵ ریال رسید. البته هنوز حقوق‌های گزاف در این کارخانه پرداخت میشود، از جمله نماینده کارفرما نیش از ۸۰۰۰۰ ریال دریافت میدارد.

در کارخانه آلومرول، شمش آلومینیوم به پروفیل آلومینیوم تبدیل می‌شود. میزان تولید آلومرول، در سال ۱۳۵۶، بالغ بر ۸۰۰۰ تن، در سال ۵۷ در حدود ۶۰۰۰ تن، در سال ۵۸، ۲۰۰۰ تن بود که مقدار این تولید در سه ماهه اول سال ۵۹، به ۹۰۰-۷۰۰ تن رسیده است. از اوایل خرداد تا پایان ماه کارخانه تولیدی نداشته (البته در مدت این ماه حقوق زحمتکشان پرداخت

شده)، که علت آن کمبود مواد خام است. قبل از انقلاب قسمت عمده مواد خام کارخانه از کشورهای امپریالیستی وارد می‌شد و قسمت دیگر آنرا کارخانه آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو) تامین می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب، در نتیجه تحریم اقتصادی کشورهای امپریالیستی بخش اول منبع مواد اولیه قطع شد. قسمتی از مواد اولیه، که بوسیله

کارخانه آلومینیوم سازی (ایرالکو) تامین میشده، قبل از انقلاب ۷۰ ریال بدست آلومرول می‌رسید، در حالی که بعطت هزینه حمل و نقل قیمت مواد اولیه‌ای که از خارج وارد می‌شد به هر کیلو ۱۱۰ ریال میرسید. پس از تحریم اقتصادی، کارخانه مقداری از مواد اولیه را از واسطه‌ها خریداری میکرد، که هر کیلو ۱۷۰ ریال بابت آن می‌پرداخت. البته مقیدار خطر بیکاری زیادی ضایعات در نجات دهند.

محوطه کارخانه وجود دارد، که تا کنون فکری برای تبدیل آن به پروفیل آلومینیوم نشده است. کارگران این کارخانه در معرض خطر بیکاری قرار دارند. جا دارد که مسئولان امر باملی کردن این کارخانه و توجه بیشتر به آن، با استفاده از دریافت مواد خام از کشورهای دوست تا زمانی که در زمینه تولید داخلی آلومینیوم بنده خود کفائی نرسیده - زحمتکشان این کارخانه را از خطر بیکاری نجات دهند.

با ملی کردن کارخانه آلومرول اراک، زحمتکشان این کارخانه را از خطر بیکاری نجات دهید

کارگران مرغداری‌ها را رسمی و بیمه کنید!

بین می رود و با قطع برق که منجر به عدم سمپاشی از طریق دستگاهها می‌شود، نیز تلفات قابل ملاحظه‌ای وارد می‌شود." کارگران مرغداریها اتحادیه وسندیکا ندارند و از خدمات درمانی محرومند. اکثر این کارگران را نیز افغانستان تشکیل می‌دهند. کارفرماها با استخدام و پرداخت دستمزد کم به کارگران افغانی، مبلغ زیادی از حقوق قانونی آنها را به جیب می‌زنند، به همین دلیل کارگران مرغداریها عمدتا افغانی هستند.

مشکلات ناشی از کمبودهایی که بر اثر جنگ تحمیلی ایجاد شده است، در شرایط حاضر می‌تواند راه سوء استفاده را برای صاحبان مرغداریها و واسطه‌ها باز کند. می‌توان با اقدامهای بجای، از بروز مشکلات و گسترش آنها جلوگیری کرد. مثلا اقدامهایی چون: - تبدیل سوخت قسمتهای تولید انرژی (در صورت امکان) برای دستگاهها از نفت به مازوت یا گاز زوئیل،

- تهیه دارو و مواد غذایی برای مرغداریها. برای کارگران نیز از جمله باید این کارها را صورت داد: - بیمه کردن آنها - کارگران بعطت تماس داشتن با محیط مرغداریها، هر لحظه در خطر ابتلا به ناخوشی‌های گوناگون قرار دارند.

- رفع موانع موجود در راه ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌های کارگران و تشویق آنها برای شرکت در سندیکا و اتحادیه برای بدست آوردن حقوق صنفی خود و جلوگیری از سودجویی کارفرماها. و اما در مورد کارگران افغانی - میهن مادر شرایط کنونی با مشکل بیکاری همراه است و باید برای کارگران ایجاد کار کرد، نه تنها در این مرغداریها، بلکه در بیشتر نقاط و در کارهای مختلف، کارفرماها به خاطر سودجویی بیشتر، بسیاری از افغانیها را استخدام کرده‌اند. می‌توان با تماس گرفتن با کشورهای دوست همسایه، افغانستان، این کارگران را به کشورهای هم‌بازگرداند، از این طریق هم می‌توان تعدادی از کارگران بیکار را در نقاط مختلف بیکار گرفت و هم کمکی است به این کارگران، تا بتوانند با فعالیت خود و به کمک موطنانشان، زندگی انسانی داشته باشند.

در اطراف شهر کرج چندین مرغداری وجود دارد که با مشکلاتی روبرو هستند. با رسیدگی به این مشکلات، که تاکنون باعث وارد شدن خساراتی شده است، می‌توان از زهد رفتن یکی از منابع غذایی جلوگیری کرد.

مرغداری خلیلی - این مرغداری در جاده تجزویین - کرج واقع است و ۱۲ کارگر در آن کار می‌کنند، که کارگر آن افغانی هستند. سرپرست مرغداری می‌گفت: "کمبود دارو و قطع مداوم برق از مشکلات عمده است. اگر اوضاع به همین صورت ادامه پیدا کند، تا دو ماه دیگر بیشتر نمی‌توان کار کرد و بناچار مرغداریها تعطیل خواهند شد."

مرغداری مجرب - این مرغداری نیز در جاده کرج - تجزویین قرار دارد. ۸ نفر در آن کار می‌کنند، که ۶ نفر از آنها افغانی هستند. کارگر حسن رئیس، سرکارگر این مرغداری، اظهار می‌کند که ۱۳ سال سابقه کار دارد و می‌گوید: "کمبود دارو و دانسه خطری است جدی و احتمال تعطیل شدن مرغداریها می‌رود. مسئله نفت نیز یکی از مسائلی است که بر مشکلات ما افزوده، است بدون داشتن نفت ادامه کار ما امکان پذیر نخواهد بود. در این چند هفته که نفت کمیاب شده است، روزانه بطور متوسط هزار جوجه از

کارکنان شرکت صنعتی الکتروود یزد، مسئولین امور را به یاری می‌طلبند

کارخانه صنعتی الکتروود یزد در حسن آباد مشیر یزد واقع است. قبلا این کارخانه جزء مجتمع تولیدی میخ و مفتول یزد بود، که بعطت کمبود فضای تولیدی در آن مجتمع و نیز وجود اختلاف بین شرکاء شرکت الکتروود یزد مستقلا اقدام به تأسیس کارخانه جداگانه در حسن آباد مشیر یزد کرد. سها مداران این شرکت اکثراتجارت میخ و مفتول و سایر وسایل تزئیناتی ساختمانی هستند، که خود واردات عمده این نوع کالاها را در دست دارند و هدف آنها از سرمایه‌گذاری در این شرکت، تحکیم و گسترش قدرت انحصاری خود در مورد مواد اولیه مورد نیاز شرکت و نیز حصول ساخته شده آن یعنی الکتروود بوده است. سها مداران عمده دیگر، بزرگ مالکان باغات پسته در دهات رفسنجان اند، که کمترین اطلاع در مورد کارخانه تولیدی ندارند، ولی عمدتا مدیریت کارخانه در دست آنان است. این سهامی است از ترکیب نا همگون سها مداران ازدید تولیدی، ولی آنان در یک جهت مشترکند، و آن گرفتن وامهای کلان از بانکهاست بنحوی که اکنون شرکت بیش از ارزش داراییهای ثابت و جاری خود به بانکها بدهکار است و این عامل اصلی ورشکستگی شرکت گردیده است. مدیرانی که تاکنون مسئولیت مدیریت شرکت را بعهده گرفته اند، سوای پرکردن جیب خود هنردیگری از خسود نشان نداده‌اند، ولی موضوع امروز بصورت عدم لیاقت مدیریت تلقی می‌گردد.

چوب تمام این مشکلات را کارکنان مظلوم شرکت خورده - اند و هنوز هم می‌خورند. حدود ۲ سال است که شرکت سهمیه بیمه را نپرداخته و بیش از یکسال است که شرکت عملا تعطیل است. شرکت در شش ماه اول به کارکنان نصف حقوق ماهانه آن پرداخته است. حدود ۶ ماه است که کارکنان بکلی از حقوق و مزایای ماهانه خویش محروم گردیده‌اند و همچنان در حالت بلاتکلیفی بسر می‌برند. سها مداران شرکت را بکلی رها نموده اند و حاضر نیستند مجددا سرمایه‌گذاری کنند و آنرا بخواهند. متاسفانه مسئولین امور نیز با جدیت مسئله را پیگیری نمی‌کنند.

اکنون کارکنان شرکت صنعتی الکتروود یزد از دولت جمهوری اسلامی ایران مصرا خواهان آنند که خود را سنا اقدام کنند و شرکت را مبادره نمایند و بدون تلافی وقت در راه اندازی کارخانه مذکور بکوشد و کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده کارکنان را پرداخت کند.

با ردیگر سری به دهستان مهربان می زنیم و توابیع بی شمار - روستاهایی که هرکدام با مشکلات و کمبودهای بسیار روبرو هستند، و حوالا که انقلاب بزرگ مردم ایران به قیمت خون ده ها هزار شهید به پیروزی رسیده، حق است که به این مشکلات رسیدگی کنیم و ستم طاغوت و عواقب آنرا یکباره از میان برداریم.

خالق وردی

قریه خالق وردی از توابع دهستان مهربان شهرستان همدان، دارای ۱۲۰ خانوار است، که ۴۵ خانوار آن خوش نشین اند. جمعیت این قریه به ۷۰۰ نفر می رسد. موقعیت آن کوهستانی و فاصله آن تا همدان حدود ۱۲۰ کیلومتر است. مالک این قریه حدود ۴۰۰ هکتار زمین دیمی داشته است. هیئت هفت نفری تقسیم زمینها را به خود دهقانان واگذار کرده است. در نتیجه تمام ضوابط قانون نظایر مراعات نشده، و به همین علت و نیز عدم وجود روغن و گازوئیل برای تنها تراکتور این قریه، کشاورزان قادر به شخم زدن تمام زمینهای مزبور نشده اند. علاوه بر این مشکل، نبودن راه مناسب، مدرسه و حمام بهداشتی و درمانگاه و امکانات پزشکی از مسائل دیگر آنهاست. اهالی این روستا به مناسبت جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار آماده شرکت در بسیج عمومی اند، ولی بسیج تا بحال به این روستا و روستاهای اطراف مراجعه نکرده است. مهمترین خواستهای اهالی: ۱- واگذاری زمین های مالک به صورت قانونی و قطعی

قهورد علیا

در قریه قهورد علیا ۳۳۲ خانوار زندگی می کنند که ۱۸ خانوار آن خوش نشین اند. فاصله آن تا همدان حدود ۹۳ کیلومتر است. مالک این قریه حدود ۲۰۰ هکتار زمین داشته است. خوش نشینان و دهقانان تهیدست تمام زمینها را تقسیم و بزرگکشت برده اند. یکی از خوش نشینان می گوید: "چرا هیئت نمی آید تا تقسیم را به صورت قانونی و قطعی انجام دهد و اختلافهایی را که وجود دارد، گلا از بین ببرد؟" مدرسه در این روستا تا کلاس ۵ دبستان وجود دارد. حمام هم به صورت دوش است، اما روستا فاقد درمانگاه و پزشک است. آب برای آشامیدن هم وجود ندارد. دهقانان انتظار دارند که جهاد سازندگی به وضع عمومی این قریه و نابسامانی های آن رسیدگی کند. اهالی این روستا نیز باید آماده همکاری با جهاد باشند و خودشان مبتکر اقدامات لازم بشوند. آنها برای شرکت در بسیج عمومی آماده اند. اهالی روستای قهورد تا کنون ۱۲ راس گوسفند و

مقادیری نان و گندم به جنگ زدگان کشور کمک کرده اند. در برابر جهاد سازندگی و اداره آبیاری، برای تامین آب این روستا (هم برای آشامیدن و هم برای کشت) در برابر هیئت ۷ نفری برای واگذاری زمین، وظیفه انقلابی مبرمی قرار دارد.

قهورد سفلی

قریه قهورد سفلی یکی



دیگر از توابع دهستان مهربان شهرستان همدان است، که ۲۶ خانوار در آن زندگی می کنند. از این تعداد ۱۶ خانوار خوش نشینند. جمعیت این ده حدود ۱۲۰۰ نفر و فاصله آن تا همدان حدود ۹۰ کیلومتر است. مالک این قریه ۶۰ هکتار زمین داشته است. یکی از خوش نشینان می گوید: "هیئت هفت نفری به ده ما آمد و گفت خودتان زمینها را تقسیم کنید و امسال بکارید تا سال بعد. ما هم زمینها را تقسیم کردیم و آنها را بزیور کشت بردیم. ولی

هیئت باید هرچه زودتر زمینها را به صورت قانونی بین ما تقسیم کند و به ما سند بدهد."

وضع عمومی این روستا نسبت به روستاهای اطراف بهتر است. حمام در آن به صورت دوش است و مدرسه تا سال سوم راهنمایی وجود دارد. ولی با وجود بزرگی زه، از درمانگاه و پزشک و بهداشت و دارو خبری نیست. جهاد سازندگی به این روستا ۲۰۰ هزار ریال برای خرید بذر گندم به اهالی کمک کرده است. اهالی خواهان تسریع در رساندن نفت و گازوئیل و سایر وسایل گرم کننده به روستا هستند. آب نیز در آن بسیار کم وجود دارد.

اهالی این قریه همچنین خواهان شرکت در بسیج عمومی اند. تا کنون مبلغ ۲۳ هزار ریال پول نقد، ۲ طلب پییر و ۰.۵ خورار نان به جنگ زدگان کمک کرده اند.

چورمق

چورمق نیز روستایی است در دهستان مهربان شهرستان همدان. روستا دارای ۱۷۰ خانوار است که ۱۳ خانوار آن خوش نشین اند. فاصله این قریه تا همدان حدود ۸۰ کیلومتر است. مالک چورمق حاج اسماعیل نوری، فئودال و رباخوار معروف بود، که حدود ۸۵۰ هکتار زمین دیمی داشت. اهالی روستا زمینهای این فئودال را برای کشت امسال تقسیم کرده اند. یکی از روستائیان می گوید: "هیئت هفت نفری تا بحال بده مانیا مده است، ولی به

اعضای شورای ده، که به محل هیئت واگذاری زمین رفته بودند، گفته شده که امسال خودتان بکارید، تا بعد تقسیم کنیم. ما هم حالا مشغول کشت هستیم، ولی هیئت باید کار ما را با نوری (مالک ده) یکسره کنند."

یکی دیگر از روستائیان می گوید: "ما تا بحال چندین مرتبه از دست نوری شکایت کرده ایم و حتی حتم جلب او را هم گرفته بودیم، اما چون به تهران فرار کرده، نتوانستیم او را پیدا کنیم." حمام روستای چورمق بصورت خزینه، قدیمی و غیر بهداشتی است. مدرسه تا کلاس ۳ در این روستا وجود دارد. جهاد سازندگی به این ده آمده و قنات ده را لایروبی کرده است. در این روستا نیز درمانگاه و پزشک و دارو وجود ندارد. یکی از اهالی ده می گوید:

"اداره کشاورزی بذر در اختیار ما نمی گذارد و ما مجبوریم بذر را از بازار آزاد به قیمت ۴۰ ریال خریداری کنیم. همچنین بانک به ما که هیچ چیز نداریم، حتی یک ریال هم وام نمی دهد." اهالی این روستا نیز خواهان شرکت در بسیج عمومی اند و عده ای از آن ها داوطلب شرکت درجهاد هستند. آنها تا کنون حدود شصت هزار ریال پول نقد و ۲۶ راس گوسفند و ۷ خورار گندم و سیب زمینی به جنگ زدگان کمک کرده اند. ما نظر مسئولین امر و جهاد سازندگی را به کمیو ده های این روستا و ویژه یکسره کردن کار مالک بزرگ و حاتم ده، به اجرای قانون اصلاحات ارضی توسط هیئت ۷ نفری معطوف میداریم.

جهاد سازندگی
بمنابه یک نهاد انقلابی و نقش مهم آن
در مسئله واگذاری زمینها

در روستای "پیرکندی"، که در ۴۰ کیلومتری شمال شهر خوی قرار دارد، قسمت زیادی از اراضی در دست ثروتمندان و اشخاص متنفذ روستاست. بیشتر زمینهای صاف و هموار، که در صورت وجود آب، مناسب برای کشت و کار است، فقط به علت اینکه دیم هستند عملاً بلا استفاده مانده اند. فقط از قسمتی از آن، بسته به میزان باران، استفاده می شود. بعد از پیروزی انقلاب جهاد سازندگی اقدام به کشت این زمینها کرد. ولی به علت اینکه جهاد نتوانست بموقع آب تامین کند (اکنون یک موتور آب در آنجا دایر است)، محصول کمی بدست آمد. جهاد این محصول کم را بین مستضعفان روستا تقسیم کرد. عوامل ضد انقلاب و آنانی که چشم دیدن شکوفایی انقلاب را ندارند، اینجا و آنجا، اینطور شایع میکردند که گویا به دهقانان بی زمین و کم زمین، زمین داده نخواهد شد و به عیب در پی این بودند که دهقانان مبارز این روستا را از انقلاب دلسرد کنند. دهقانان بی زمین و کم زمین در مقابل این تحریکات به جهاد سازندگی مراجعه کردند و قضیه را گفتند و خواستار واگذاری زمین شدند. آنان حتی از بین خود ۲ نفر نماینده انتخاب

شده است که به یک گروه ۵ نفری از دهقانانیکه بین ۱/۵ - ۱ هکتار زمین دارند، نیز زمین واگذار شود.

بین دهقانان مزبور و جهاد سازندگی توافقنامه ای به مدت یکسال امضاء شد، که در آن شرایط استفاده از زمین قید شده از جمله آمده است: که نصف محصول مال جهاد و نصف دیگر مال دهقانان باشد. در مقابل جهاد موظف است که شخم، مرز کشی جهت آبیاری، بذر، آب و درو محصول با کمباین (در صورتیکه گروه بخواهد از گاو استفاده کند)، آنوقت میتواند با اس درو را جمع آوری کند)، خرمنکوب و حمل محصول به خرمن ران تا زمین کند. اکنون حدود ۸۰٪ از اراضی زیر کشت رفته و محصول نیز رو فیاده است.

کار انقلابی جهاد سازندگی در روستای "پیرکندی" بایستی سرمشق دیگر ارگانهای انقلابی باشد. در شرایطی که امریکای جنایتکار توسط رژیم جنایتکار صدام جنگ را به میهن ما تحمیل کرده است، همچنین در شرایط محاصره اقتصادی از طرف جهان سرمایه داری، یگانه راه حل عادلانه مسائل دهقانی همانا واگذاری زمین به کسی است که روی آن کار میکند، یعنی اینکه حق به حقدار داده بشود. بدین طریق ریشه بزرگ مالکی، این بهنجیر کشندگان میلیونها دهقان زحمتکش این پایگاه امپریالیسم، این ضد انقلابیون توطئه گر، از زندگی روستایی برای همیشه کنده شده و راه برای پیشرفت کشاورزی کشور گشوده خواهد شد. از طرف دیگر دهقانان از دستاوردها و ثمرات انقلاب بزرگمان بهره مند خواهند شد و با جان و دل از آن دفاع خواهند

نمایشگاهی از جنگ تحمیلی
رژیم جنایتکار صدام در رشت



از طرف اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران در شهرستان رشت، نمایشگاهی از جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام به ایران و توطئه های امپریالیسم آمریکا، در خیابان شریعتی این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، در مدت برپائی خود، با استقبال پر شور مردم روبرو شد.

نمونه و سرمشقی با شایع شدن نقاط دیگر. مناطق مساعد برای ادامه فعالیت هیئت های هفت نفری و اجرای قانون در کشور ما بسیار زیاد است. باید در همه این مناطق مثل پیرکندی و دهها روستای دیگر، نهادهای انقلابی متکی به مردم زحمتکش عمل کنند و انقلاب را تقویت کنند و یورش بزرگ مالکان و لیبرالها را درهم شکنند.

کرد و با خیال آسوده و شور و شوق در امر جهاد کشاورزی شرکت موثر خواهند کرد. در راه خود - کفائی از محصولات کشاورزی سهم بسزائی را ایفاء خواهند نمود. کار انقلابی و مثبتی که در روستای "پیرکندی - خوی" بهمت جهاد سازندگی، این نهاد پرتوان انقلابی، با مشارکت فعال و آگاهانه خود دهقانان زحمتکش در زمینه واگذاری زمینها انجام شد، میتواند

سازمان حزب توده ایران در سقز:

میهن انقلابی ما آماج توپخانه‌های امپریالیسم امریکاست

سازمان حزب توده ایران در شهرستان سقز، بدنبال تظاهراتی که در ارتباط با بازگشایی مجدد مدارس در این شهرستان صورت گرفت، اعلامیه‌ای زیر را انتشار داد:

"همشهریان گرامی، در چند روز اخیر شاهد تشنج‌های پیرومون مسائل و نتایج امتحانات و بازگشایی مجدد مدارس را هنما می‌نویزیم. عده‌ای از دانش‌آموزان برای بازگشایی دبیرستان‌ها در شهرمان بودیم. بررسی‌های چندو چون این جریان‌ها و علل دوو یا چند جانبه آن مورد نظر نیست. آنچه که جای تاسف و تأثر است، برگزیدن شیوه‌هایی چون تحصن، تظاهرات و یا اعتصاب است. حتی برای طبیعی‌ترین خواست در این شرایط"

میهن انقلابی مادر شرایط کنونی آماج توپخانه جنگ تجاویز امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم امریکا است، که بدست مزدورشان صدام تکریتی عملی میشود. بخش بزرگی از مرزهای جنوبی و جنوبغربی میهنمان در واقع تبدیل به یک سنگربزرگ و بیروسعیت

شده است، که در یک طرف آن دفاع از تمامیت ارضی، حیثیت انسانی و دستاوردهای انقلاب مطرح است، و در طرف دیگر تجاویز و فاشیسم حاکم است. این جبهه، به وسعت تمام منطقه خاورمیانه و جهان کنونی، برسرمسئله تجاویز شکل گیری است. در شرایطی که بشریت مترقی با تمام امکانات خود پشت سر ایران انقلابی علیه دنیای سرمایه و تجاویز و در رأس آن امریکای جهانخوار صف‌آرایی کرده است، ستون پنجم دشمن و ضد انقلاب داخلی در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی مشغول ایجاد تشنج، تفرقه و کشودن جبهه داخلی نبوده، در میهن انقلابی ماست."

در شرایطی که ضدانقلاب عوامل خود را در چینیین اجتماعاتی بسیج میکنند و زیر لوی شعارهای بظا هرانقلابی شعارانحرافی طرح میکنند و خواست اصلی را لووت میکنند، هرگونه تظاهرات، تحصن و غیره بتوان به آن پایان بخشید.

کمکی است به خواست ضدانقلاب و در دام او افتادن. در چنین شرایطی انتخاب شکل تقاضا و طلب برای یک خواست هر چند معقول و هر چند طبیعی، بغایت مهم و حساس است. حل صحیح مسائل بانشت و گفتگو بین مقامات مسئول و متعهد آموزش و پرورش شهرستان سقز و اولیای دانش‌آموزان و نمایندگان دانش‌آموزان، امکان پذیر است. رعایست نرمش و انعطاف از هر دو طرف ضروری و لازم است. همان‌طور که عالی‌ترین مقامات رهبری و اجرائی مملکت اشاراتی روشن مبنی بر بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها داشته‌اند، باتوجه به ویژگی منطقه کردستان، مقامات مسئول آموزش و پرورش میباید هر چه سریع‌تر به این مهم جامه عمل بپوشانند و در دامی که ضدانقلاب گسترده است و همانا بستن مدارس و در صورت بازگشایی، به تشنج کشیدن آن است (که در این صورت نیز نمیتوان با برنامه‌های معقول آن را غنشی کرد) نیفتند. مسئله عمیقتر از آن است که با اتخاذ تصمیماتی ناسنجیده و سطحی بشدت خطرناک و در نهایت

باید متوجه کارگردانان پشت صحنه که متأسفانه در مقامات اجرائی هم لانس کرده‌اند، بود.

سازمان حزب توده ایران در شهرستان سقز بدین وسیله تظاهرات روز ۹/۱۱/۵۹ را، علیرغم نیت شرکت‌کنندگان و علیرغم خواستی که مورد نظر است، به نفع ضد انقلاب ارزیابی و به همین جهت محکوم میکند. تکرار میکنیم که راه حل صحیح تنها و تنها از طریق گفتگوی مستقیم بین والدین دانش‌آموزان و نمایندگان دانش‌آموزان و مقامات و معلمین مسئول و دلسوز آموزش و پرورش امکان پذیر است.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم امریکا! در مقابل تجاویز امپریالیستی و ضدانقلاب داخلی صوف خود را متحدتر کنیم!

برقرار باد جبهه متحد خلق تنها اهرم نیرومند پیروزی نهائی انقلاب.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سقز - ۱۲ آذر ۱۳۵۹

در مطبوعات کشور

با سوریه و لیبی و الجزایر متحد شویم

"حافظ اسد تمام آرمانها و رئیس جمهور سوریه مقدسات ملی و در مراسم جشن تحصیلی پیشنهاد ما، گروهی از چتریان این است... برای جنگی سوریه‌سختی پیروزی مستضعفین گفت که نمایانگر در منطقه هر چه بیوند و اتحاد زدودن، اتحادی از قلبی و مرا می‌دو کشورهای مترقی ملت و دو دولت و انقلابی سلمان ماست. او، بصراحت سوریه، لیبی، و با جرئت گفت: الجزایر و خود "این جنگ تحمیلی، به هیچ تأیید اتحاد نه وجه جنگ ملت تنها وزنه ای عرب و ملت فارس یا شدنیرومنند و نیست بلکه جنگ ستوار، در برابر توطئه و دغل بازی قدرتهای مرتجع رژیم بغداد علیه امپریالیسم، بلکه همه اعراب است چنانکه علیه ملت در عین حال ما منی ایران است" و با اشاره که کمکهای او گفت: "با پدید آمدن و معنوی خود پشت انقلاب اسلامی را، به جنبشهای ایران با ششم و آزادیبخش و از آن حمایت اسلامی منطقه اهدا کنیم، زیرا که"

حمایت و پشتیبانی از این انقلاب در (اطلاعات بانوان حقیقت‌حما نیست از - ۲۷ آبان ۱۳۵۹)

خاورمیانه...

بقیه از صفحه ۳

حاصل خیز را می‌دهد. بدین سان، وضع سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی و اجتماعی کشور همچنان بس پیچیده و متشنج است. شرط کلیدی مقابله پیروز با این وضع، ایجاد رژیم دمکراتیک و ملی است که با تکیه بر مردم، هدفهای فوری زیر را در برابر خود قرار دهد:

- ۱- آزادی‌های دمکراتیک برای همگان و آزادی همه زندانیان سیاسی؛
- ۲- انتخابات آزاد و عادلانه با شرکت بدون استثنای همه شهروندان؛
- ۳- سیاست خارجی قاطع و فعال علیه مبارزه پیگیر با قراردادهای "کمپ دیوید" و توطئه "خودمختاری اداری" و حل جداگانه بحران خاورمیانه؛
- ۴- پیکار بی‌امان علیه سیاست اشغال‌گری و توسعه‌طلبی، به منظور تضمین حقوق ملی خلق عرب فلسطین، و پشتیبانی از "جبهه پایداری و رویارویی عرب" برای تحکیم همبستگی میان اعراب، بر پایه مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، صهیونیسم و تسلیم‌جویی؛
- ۵- گام‌های موثر برای پی‌ریزی اقتصاد ملی مستقل و بهره‌برداری کامل از نیروی کار داخلی برای تولید اجتماعی؛
- ۶- پیکار با هزینه سرسام‌آور زندگی و علیه انحصارات، نظارت بر بازارگانی خارجی، بویژه در زمینه کالاهای مصرفی اولیه؛
- ۷- حل مسائل مربوط به سطح زندگی، دستمزدها و حقوق‌ها و خدمات پزشکی به‌سود توده‌های وسیع خلق، به‌ویژه کارگران و کارمندان کم‌درآمد.

پیکار ملی فلسطین

شرکت‌کنندگان "کمپ دیوید" از خیانت سادات و ساخت و پاخت او با امپریالیسم ایالات متحده و دولت صهیونیستی اسرائیل، برای گسترش توطئه‌های خود علیه حل عادلانه مسئله فلسطین، بهره‌جستند. آنها می‌خواستند همچنین از این راه جنبش فلسطین را نابود و آن را از مهم‌ترین دستاوردهای بین‌المللی آن محروم سازند. این دستاوردها عبارت است از: شناسایی و پشتیبانی از خواست‌های فلسطینی‌ها مبنی بر آزادسازی سرزمین آنها، حق بازگشت به زادبوم خود، حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک دولت ملی مستقل.

در چنین شرایطی، اشغال‌گران صهیونیستی

کوشش خود را برای استعمار سرزمین‌های عرب و تصاحب آبادی‌های عرب‌نشین (کرانه باختری، نوار غزه، شهرهای بزرگ عرب و در این اواخر شهر هیرون) شدت بخشیدند. مقامات اسرائیلی کارزار سرکوب، ترور و اختناق خود را علیه فلسطینی‌ها گسترش می‌دهند و از این راه تلاش می‌ورزند تا ایستادگی قهرمانانه آنها را در برابر قراردادهای "کمپ دیوید" و دسیسه "خودمختاری اداری" درهم شکنند.

چنان‌که گزارش می‌رسد، اینان برای آرایش نقشه "خودمختاری اداری" و تغییر قطعه‌نامه معروف "شورای امنیت سازمان ملل متحد" مانورهای مختلفی در پیش دارند. شایع است که ایالات متحده، کشورهای اروپای باختری و "بین‌الملل سوسیالیست" به "ابتکارات" جدیدی برای احیای نقشه "پادشاهی متحد" دست خواهند زد. اما همه این مانورها دارای یکوجه مشترکند: خودداری از شناسایی حقوق مردم فلسطین، یعنی حق تعیین سرنوشت خویش و پایه‌گذاری یک دولت مستقل در کرانه باختری اردن و نوار غزه و حق بازگشت آوارگان به زادبوم خود.

هدف از این مانورها، تضعیف مبارزه اعراب و فلسطینی‌ها با "ملت کمپ دیوید" و وادار کردن آنها به پذیرش رهیافتهای تسلیم‌طلبانه است. تجاویز علیه جنوب لبنان و تشدید کارزار نفرت و تخریب نیروهای ارتجاعی لبنان بخش‌های دسیسه‌های امپریالیسم ایالات متحده و صهیونیسم را تشکیل می‌دهد.

اعمال فشار بر «سازمان آزادی بخش فلسطین»

مردم فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، به پیروزی‌های بزرگی در مقابله با حملات صهیونیست‌ها و اربابانشان علیه انقلاب فلسطین دست یافته‌اند. این پیروزی‌ها همچنین این واقعیت را در بر می‌گیرد که جهان‌بین در یافته‌اند که مسئله فلسطین مبنای مشاجرات اعراب و اسرائیل را تشکیل می‌دهد و هرگونه راه حلی باید بر پایه خواست‌های مردم فلسطین و پیشنهادها و تنها سازمان نماینده آنها، یعنی، سازمان آزادیبخش فلسطین، استوار باشد.

از اینروست که امپریالیسم ایالات متحده و ارتجاع عرب، به سرگردگی عربستان سعودی، به اعمال فشار بر سازمان آزادیبخش فلسطین می‌پردازند و می‌کوشند تا موضع ضد امپریالیستی آن را تضعیف کنند و این توهم را پدید آورند که گویا می‌توان با ارتباط و گفتگو با ایالات متحده، سیاست آن کشور را به سود فلسطینی‌ها "تغییر" داد. در این گستره، به سازمان آزادیبخش فلسطین "توصیه" می‌شود که در سیاست خود تجدید نظر به عمل آورد، "میان‌روی" نشان دهد، به تضعیف نیروهای ملی - مترقی فلسطینی، به ویژه کمونیست‌ها، دست یازد، و بدین ترتیب، سازمان آزادیبخش فلسطین را برای امریکایی‌ها "قابل قبول" سازد. اما هدف واقعی این "توصیه" آنست

دیوید "دسیسه" خودمختاری اداری، که هدف آن انفراد فلسطینی‌های ساکن مناطق اشغالی از دیگر فلسطینی‌هاست، به پا خاسته‌اند. به جرئت می‌توان گفت که فلسطینی‌های مقیم مناطق اشغالی، با مبارزه دلاورانه خود بر موانعی که در راه آنها وجود داشته است، چیره شده‌اند. آنها در برابر دسیسه "خودمختاری اداری" به ایستادگی تحسین‌انگیز دست زده و در بسیاری از مبارزات علمی اقدامات خودسرانه صهیونیست‌ها به پیروزی‌های چشمگیری نایل گشته‌اند. جنبش ملی فلسطین در پیکارهای دشوار خویش، وحدت ملی و رزمجویانه خود را با کرانه باختری و نوار غزه تقویت بخشیده و به غنای اشکال مبارزه کمک کرده است. این جنبش، با پایه‌گذاری هر چه بیشتر سازمان‌های توده‌ای، اقتدار جدیدی از طبقات و گروه‌های اجتماعی را به مبارزه کشیده است. در این گستره، ما به نقش برجسته "سازمان فلسطینی‌های کمونیست کرانه باختری"، که واحد حزب ما در جنبش متحد خلق (مناطق اشغالی) است، بس افتخار می‌کنیم. در برتو سیاست صحیح و اصولی حزب ماویکارفداکارانه آن در راه پیشبرد این سیاست و هدف‌های جنبش ملی در مناطق اشغالی، سهم رفقای ما در این مناطق ستایش‌انگیز بوده است.

هدف‌های بنیادی جنبش ملی فلسطین

جنبش ملی فلسطین برای پیشبرد هدف‌های زیر می‌رزد:

در گستره داخلی

- گسترش وحدت همه نیروهای ملی در چارچوب "سازمان آزادیبخش فلسطین"
- تقویت و توسعه همما شکل مقاومت و پایداری در مناطق اشغالی؛
- بازسازی ساختاری همه ارگان‌ها و نهادهای "سازمان آزادیبخش فلسطین" و طرد عناصر فاسد از آنها؛

در گستره خارجی

- پیشبرد هر چه بیشتر سیاست صریح مقاومت در برابر امپریالیسم ایالات متحده و صهیونیسم و توطئه‌های تسلیم‌جویانه آنها برای نابودی مردم فلسطین؛
- گسترش مناسبات با دوستان راستین، به ویژه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، و نیروهای صلح، آزادی و پیشرفت در سراسر جهان؛
- تحکیم سیاست تقویت همبستگی میان اعراب بر پایه پیکار با امپریالیسم، صهیونیسم و اشغال، و در راه پیشبرد حقوق خلق فلسطین؛
- هشیاری در برابر اعمال فشار از سوی ارتجاع عرب.

که وحدت ملی را در درون سازمان آزادی بخش فلسطین ضعیف کند، در صوف آن تفرقه‌بیا فریند، در سازمان آزادی بخش فلسطین مشاجره برانگیزد و بر پیوندهای رزمجویانه آن با نیروهای مترقی عرب، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خلل وارد آورد. به سخن دیگر، هدف‌نمایی این تلاش‌ها عبارتست از محروم ساختن سازمان آزادی بخش فلسطین از سلاحی کارآ.

ارتباطات سازمان آزادی بخش فلسطین با اروپای غربی دارای محتوایی مثبت بوده و بوجهه بین‌المللی آن افزوده است. از سوی دیگر، نباید از یاد برد که سوسیال دمکراسی بین‌المللی و کشورهای اروپای باختری هوادار "کمپ دیوید" می‌دانند که تلاش "ملت کمپ دیوید" برای تحمیل "خودمختاری اداری" بر مردم فلسطین شکست خورده است و از اینرو، می‌کوشند این توهم را پدید آورند که اروپای باختری می‌تواند جان‌نشین اتحاد شوروی شود و در برابر سیاست ایالات متحده آمریکا، که لوجانه‌ها شناسایی حقوق مردم فلسطین خودداری می‌ورزد، به آنها کمک کند. خطر اینگونه دسیسه‌ها در ادراک واقعیت باید دید که برخی از محافل منتقد در درون سازمان آزادی بخش فلسطین نیز از پندار واهی "گفتگو با آمریکا" بری نیستند و فکر می‌کنند که از این راه می‌توانند امپریالیسم ایالات متحده را از توطئه برداری علیه مردم فلسطین و حقوق ملی آنها بازدارند.

باید گفت که علیرغم تصمیمات متعدد "شورای ملی سازمان آزادی بخش فلسطین"، چنین پدیده‌های منفی هنوز در این سازمان به چشم می‌خورد.

اوضاع مناطق اشغالی

براهمیت کرانه باختری و نوار غزه در مبارزات خاورمیانه و راه‌حل‌هایی، که برای فیصله دادن به منازعات این منطقه ارائه می‌شود، هر چه بیشتر افزوده می‌گردد.

پس از امضای قراردادهای تبه‌کارانه "کمپ دیوید"، ساکنان فلسطینی مناطق اشغالی اهمیت بسزایی در مقاومت علیه این قراردادهای یافته‌اند. چه، اینان هستند، که مورد مخاطره مستقیم دسیسه "خودمختاری اداری"، که قصد آن حذف کامل مسئله فلسطین از دستور جلسه است، قرار دارند. صهیونیست‌ها از تسلیم طلبی بیادات برای تقویت مواضع خود در این مناطق استفاده‌جستند و کارزار ترور و سرکوب جنبش ملی را شدت بخشیدند، تا از این‌راه به انضمام مناطق نامبرده به اسرائیل بپردازند. توقیف، پیگرد و اختناق در شهرها، روستاها و اردوگاه‌های مناطق اشغالی به ابجدی بی‌سابقه رسیده است. در همان حال، اشغال این مناطق از سوی اسرائیل دشواری‌های فراوانی را برای این کشور و اقتصاد آن فراهم آورده است.

در چنین شرایط توانفرسایی، ساکنان فلسطینی مناطق اشغالی و نیروهای ملی و مترقی آنها به پیکار قهرمانانه علیه اجرای قراردادهای "کمپ"

انکار هویت شهدای توده‌ای چرا؟

روز ۱۶ آذر آمد و گذشت، در این روز تاریخی، که به گفته درست یکی از یادکنندگان آن، از روزهای بیادماندنی و جاودان تاریخ ایران و در ردیف روزهای بزرگی چون ۱۷ شهریور و ۲۲ بهمن است، ۳ دانشجوی مبارز و مبین-دوست و آزادخواه، چندماه پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد و هنگامیکه نیکسون جانیکار برای بازدید از «پیروزی» خون‌آلود آمریکای کودتاچی، پای در خاک ایران می‌نهد، پاسخ «نه» مردم کشور خویش را به صورت غارتگران آمریکایی فریاد کردند و به‌عین «جرم» یا گلوله‌های آمریکایی جلادان شاه در خون پاک خویش طیبند.

۱۶ آذر از آن پس، بعنوان مظهر مبارزه ضدامپریالیستی دانشجویان و جوانان ایرانی، باقی ماند و هر ساله موج عظیمی از نفرت دانشجویان و جوانان ایران را علیه‌امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا و رژیم منفر پهلوی برانگیخت و رنج‌ناپذیران و رنج‌دیده‌ها را به سینه کارزار اشکارانه علیه گزاهای شاه و آمریکا بدل کرد.

اما در اینجا سخن ما بر سر چگونگی بزرگداشت این روز بر اهمیت و بیادماندنی، در دومین ۱۶ آذر پس از انقلاب ایران، نیست. آنچه مورد بحث و ویرسش است، آنستکه: چرا همه مطبوعات و افرادی که درباره این روز مطلب نوشتند و گفتند و خاطره آن را

گرامی داشتند، آگاهانه از کنار یک واقعیت انکارناپذیر، پاورچین گذشته، و حتی برخی‌ها به جعل تاریخ پرداختند؟! حقیقتی که کتمان شد و یا تحریف گردید، آن بود که: دوتن از این سه شهید، توده‌ای بودند و در واپسین دم حیات خویش نیز ایمن حقیقت را با شعار «زنده باد حزب توده ایران» به حقیقت دیگر، یعنی نفرت‌بیگران خویش از شاه ملهون و آمریکای جانیکار پیوند زدند. اما هیچیک از یادکنندگان آن روز بزرگ، از این حقیقت کتمان‌ناپذیر، یاد نکردند!

مصطفی بزرگ‌نیا، عضو کمیته مرکزی و عهده شریعت رضوی، عضو سازمان جوانان توده ایران بودند و درست و پیروی از آرمانهای ضدامپریالیستی، استقلال‌طلبانه و آزادخواهانه حزب خود در مقابل غارتگران و دزدخیمان ایستادند و شهادت را پذیرا شدند. آیا کتمان تعلق نگرانی این شهدا، حداقل عملی خلاف‌اخلاق نیست؟

مردم، به خون توده‌ای‌ها آغشته است. آیا کتمان هویت شهدای توده‌ای گذشته از تباین آشکار و بی‌حرمتی به رزم‌استقلال‌طلبانه خلق ما نیست؟ توده‌ای‌ها سستی ندارند که به آن می‌مانند. آنها پای سخن خود را همواره با خون خود امضاء می‌کنند. آنها مرد میدان جنگ با دشمنان استقلال و آزادی ایرانند و نه تنها در جهت رسواساختن آنها می‌کوشند، بلکه هر که پای عمل به میدان آمده است، همواره در سنگر نخست مبارزه با آنها قرار گرفته‌اند. روزبه و سرماک تا بزرگ‌نیا و عسکراربابیندا؛ آیا ستردن امضای خونین توده‌ای‌ها از پای‌بوری و زین ۱۶ آذر، خنده‌دار کردن اندیشه‌نفته در این روز تاریخی نیست؟

توده‌ای‌ها، بازم بر طبق سنت خود، به خون همه شهدای راه استقلال و آزادی ایران، با هر تعلق نگرانی، ارجمند و احترام می‌نگازند. در معرفی شهدا و هویت فکریشان، با احساس مسئولیت و تمهید کامل می‌کوشند. تلاش‌حزب توده ایران برای معرفی قندهی، بعنوان یک «مبارز» معتقد به راه مصداق، بر هسکان عیان است.

شهدای توده‌ای را کتمان نموده آیا خورشید حقیقت را می‌توان به‌گل اندود؟ در این زمینه ما را با لیبرالها و بلندگوهای آن چون «میزان» کاری نیست. کتمان حقیقت، دریا ناری و سفناپذیر «شیوه‌میشکی‌انهاست». این سازشکاران و تسلیم‌طلبان اصلاح-ناپذیر بیشک چشم دیدن توده‌ای‌ها را، که ۴۰ سال است برامان علیه امپریالیسم می‌چنگند، ندارند. بگذار آنها کتمان کنند، بگذار آنها تحریف کنند. اما کسانی که امپریالیسم را بواقع دشمن استقلال و آزادی ایران میدانند، چرا شیبیدان توده‌ای ساین گوشندگان راه استقلال و آزادی ایران را، که تا آخرین قطره خون خود علیه این دشمن پلید رژیم‌دشمن، «فراموش» میکنند؟

«میزان» ها حق دارند بر شهدای مبارز ضدامپریالیستی، بویژه شهدای توده‌ای ختم بگیرند، و اگر به‌یادآوری حقایق «چپ‌روباشند، با کتمان هویت توده‌ای‌ها، زهر خود را بریزند. این طبیعی است، زیرا آنها امپریالیسم را «دوست» می‌شناسند، نه دشمن، و توده‌ای‌ها، پیگیرترین مبارزان ضدامپریالیست بوده‌اند، هستند و خواهند بود. اما مبارزان مسلمان، که به‌راستی و حقیقت معتقدند و صادقانه از حماسه ۱۶ آذر تجلیل میکنند، از فرارگفتن درموضع «میزان»‌ها چه نفعی می‌برند؟ توده‌ای‌ها بخاطر نام، چهل سال با

امپریالیسم - خصم استقلال و آزادی ایران نرزمیده‌اند. اگر روزبه‌ها، سیاه‌ها و بزرگ-نیاها را همه مردم ایران می‌شناسند، بخاطر آنست که آنها در سیاه‌ترین روزهای تسلط خفتان پهلوی و سلطه امپریالیستی، بی‌محابا برخاستند، به دشمن «نه» گفتند و برخاک افتادند. چه دهانها که به یاد آنها نفرینند، اما توده‌ای‌ها را، توده‌ای‌بودنشان به این راه کشاند و اهدای والای انسانی اندیشه‌شان آنها را به دست - شستن از جان رخنمون شد، همانگونه که یک شهید مسلمان را، اسلام‌انقلابی به‌عمره‌ایستار می‌کشاند.

اینکه توده‌ای‌ها و مسلمانان انقلاب‌پر کار هم علیه رژیم سفک پهلوی رژیمند و بخاک افتادند، بیانگر گریزناپذیری اتحاد آنها برضد دشمن مشترک است. اینکه هم‌اکنون توده‌ای‌ها و مسلمانان انقلابی در چپه جنگ برضد تجاوز آمریکایی رژیم صدام می‌رزمند و برخاک می‌افتند، گریزناپذیری اتحاد آنها برضد دشمن مشترک تأیید و تاکیدیست. اگر جوانی حقیقت و عدالتیست، باید رمز اصلی این‌حماسه‌ها، یعنی اتحاد علیه دشمن انسانیت، امپریالیسم بسرگردگی آمریکا را به زندگان منتقل سازیم، نه اینکه با انکار حقیقت، ناخواسته پیام شهدا را زیر پا لگدمال کنیم.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

ایران نباید در کنفرانس سران کشورهای اسلامی شرکت کند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، چندین از نمایندگان راجع به مسائل مختلف کشور سخن گفتند و طرح جدایی‌ناپذیر شهید از سازمان بهزیستی به تصویب رسید.

روحانیان، اولین سخنران پیش از دستور جلسه دیروز بود، که در ارتباط با کویج روستایان در حوزه انتخابیه خود و سالروز تدوین قانون اساسی سخن گفت. وی ابتدا ضمن تشریح نکات گوناگون قانون اساسی، از جمله اظهار داشت:

«در این قانون اشاره کشوربه عهده شوراها و مجلس شورا گذاشته شده که اعضاء آن را خود مردم و نمایندگانشان تشکیل می‌دهند.»

ناطق سپس افزود: «حکومت باید با تمام قوا امکان اجرای قانون اساسی را فراهم آورد.»

باباصفری، ناطق بعدی پیش از دستور، به تشریح وضع حوزه انتخابیه خود پرداخت و سپس گفت:

«انقلاب ایران با امپریالیسم جهانی و صیونیسم به مبارزه پرداخت و کیان آنها را درخطر قرار داد، ولی مسئولین ما کشور را با دوستان خود انطور که باید ارتباط ندادند. دشمنان با سیاست تفرقه‌بینداز کار خود را آغاز کردند و شروع کردند به اینکه ما را درگیر مسائل داخلی کنند. درجهت پدوم کردن انقلاب اسلامی در پی سازش کشیدن انقلاب کردند... درجهت مخالفت با تلاب برای پوند خوردن با کشورهای اسلامی و کشورهای که نماینده واقعی سردشمن هستند، قسم برداریم.»

وی سپس به تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی و رومزمه شرکت ایران در آن اشاره کرد و گفت:

«اگر به ما بگویند «چوس» بهتر از این است که اسلام ما آمریکایی باشد... اگر فلسفه وجودی کنفرانس سران کشورهای اسلامی و غرضنا مستکبرین دعوت به تشکیل این کنفرانس را بررسی کنیم، شاید ایران از شرکت در همین کنفرانس بیهیزد و دعوتی از کشورهای

تجاوز رژیم...

بقیه از صفحه ۱
شورای امنیت و سازمانهای بین‌المللی است.»

وی افزود که تجاوز اسرائیل به لبنان عراقی خطرناکی دبر دارد.

شفیق‌وزان، نخست‌وزیر لبنان، در مصاحبه تلویزیونی خود تأکید کرد که اوضاع اندوخته‌آمیز جنوب لبنان ایجاد می‌کند که یک استراتژی مهاجرت عمومی اتخاذ شود، و غیر اینصورت ایامه اوضاع جنوب لبنان تنها بفع رژیم اشغالگر قدس خواهد بود و اسرائیل از این اوضاع همواره مانند برگ برنده‌ای استفاده خواهد کرد.

نخست‌وزیر لبنان گفت: «ما در سازمان ملل متحد اصرار کردیم که نیروهای سازمان ملل متحد در جلوگیری از تجاوز اسرائیل نقش فنانتر و مؤثرتری داشته باشند، اما چند ساعت از تهدید ماموریت این نیروهای مسلح نگذشته بود که رژیم اشغالگر قدس به تجاوز تازه و گسترده‌ای علیه لبنان دست زد.»

همزمان با تجاوز نیروهای مسلح اسرائیل به جنوب لبنان، شبه‌نظامیان محافظه‌کار مسیحی در شمال لبنان به عملیات تحریک-آیزی علیه سوریه دست زدند. این اقدامات «هماهنگ» نمایانگر یک نقشه ماجراجویانه گسترده‌ایست که بوسیله رژیم

صیونیستی اسرائیل و ستون پنجم آن در سیمای شبه‌نظامیان محافظه‌کار مسیحی در شمال لبنان، با هدف ایجاد یک‌دگرگیری سلطه‌ناهی وسیع در این منطقه، مرحله اجرا گذارده می‌شود. روزنامه «الشعب»، ارگان حزب حاکم سوریه در این مورد در شماره ۶ دیماه ۵۹ خود نوشت:

«سوریه مصمم است در مقابل تجاوز سوریه از سوی نیروهای های مشکوک جدایی‌طلب در شمال لبنان و تجاوز نیروهای مسلح اسرائیل در جنوب لبنان ایستادگی کند.»

در تفسیر روزنامه «الشعب» خاطرنشان شده است: «نیروهای محافظه‌کار مسیحی قصد دارند نیروهای سوریه را وادار به عقب‌نشینی از لبنان کنند تا بدینوسیله به نیروهای اشغالگر اسرائیل امکان داده شود سلطه خود را بر سراسر لبنان مستقر سازند. اما سوریه اجازه نخواهد داد که سرزمین لبنان به عنوان پایگاهی برای اعمال فشار و تجاوز علیه وی مورد استفاده قرار گیرد.»

در حالیکه نیروهای متجاوز رژیم صیونیستی اسرائیل به عملیات تجاوزی گسترده‌ای در جنوب لبنان دست زده‌اند و دهکده‌های بی‌دفاع و اردوگاه‌های فلسطینی‌ها را زیر آتش گرفته‌اند، زنیال دیوید جولز، رئیس‌ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، برای بازدید نیروهای مسلح

پایان بختیدن به اشغال بخشی از این منطقه توسط نیروهای صیونیستی، اقدام کند.

فمالتیهای نظامی و تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس، که هدف عمده آن سرکوب انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، و همچنین فمالتیهای نظامی رژیم‌های ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه، از جمله اقدامات ماجراجویانه اردن علیه سوریه، تجاوز نظامی روزهای اخیر اسرائیل به جنوب لبنان و عملیات ماجراجویانه نیروهای شبه‌نظامی مسیحی در شمال لبنان علیه واحدهای نظامی سوریه، نشانه یک برنامه وسیع تجاوز و مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس است، که بوسیله دستیاران منطقه‌ای آن - رژیم صیونیستی اسرائیل و دیگر رژیم‌های وابسته اجرا میشود. سیاست تجاوزی و توسعه‌طلبانه رژیم صیونیستی اسرائیل، که از حمایت همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا برخوردار است، صلح و امنیت خلیج و استقلال ملی همه کشورهای این منطقه را مورد تهدید جدی قرار میدهد و بر تشدید رخامت‌واضع این منطقه مس‌افزاید، و لذا هتیاری و آمادگی برای مقابله با این توطئه ضرورت حیاتی دارد.

از سوی دیگر، پدیده‌های امپریالیسم آمریکا از سیاست تجاوزی و توسعه‌طلبانه اسرائیل، و بویژه عملیات تجاوزی اخیر آن در لبنان علیه مبارزان فلسطینی و واحدهای ارتش سوریه، بسا هدف تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه، به عنوان دو عضو جنبه پایداری کشورهای عرب، انجام میگیرد، تا از این راه تضعیف مواضع تمام جنبه پایداری در برابر نقشه‌های تجاوزی و توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا حاصل گردد.

اتلاف احزاب چپ لبنان بنام «جنبش ملی»، طی اطلاعیه‌ای از دولت لبنان خواستار شده است که برای تنظیم یک طرح ملی همه‌جانبه بمنظور رویارویی بسا اوضاع بحرانی جنوب لبنان و مختلف از آنها رسیدگی کنند. امام خمینی گفتند: «می‌خواهند تمام چیزهایی که فاسد است به‌گردن روحانیون و به گردن دولت اسلامی بیندازند و روحانیون و دولت و مجلس را هم‌انظر مردم بیندازند... شما باید بیدار باشید و جلوگیری کنید از این معنا.» امام خمینی افزودند: «باید همه این کارها را قبل از اینکه فرصت از دستمان رفته است و قبل از اینکه این خیانتکارها هاین که می‌خواهند این مملکت را با زیرگرداندن به حال اول، پیروزی بیاکنند و مجال پیدا کنند، خود شما باید این کارها را انجام بدهید و افرادی را صالح و مطلع و بر طرف تعیین کنید، بروند در این جاهایی که این کارها می‌شود به شکایات مردم رسیدگی کنند. یک دفتر برای شکایات باز کنید، تعقیب کنید شکایات را، ببینید این که شکایت کرده از کجا پیدا شده. صحیح‌تر است یا غیر صحیح. اگر غیر صحیح می‌گوید، کسی انقاع به او کرده. اینها را باید تعقیب کرد و قهقهه به مردم که چنین بساطی در کار هست که می‌خواهند خرابکاری بکنند و افرادی را «که خرابکاری می‌کنند، معرفی باید بشوند.» امام خمینی همچنین از ائمه جمعه خواستند که این اجتهادات باشکوه را حفظ کنند و سعی در رسیدگی به حال ملت داشته باشند.

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

می‌خواستند و می‌خواهند تمام قدرتها را در هر جا قبضه کنند و تمام منافع ملت را چپاول کنند، از سال‌های طولانی نقشه‌های عجیب و غریب داشتند و مع‌الاف قشرهای زیادی غافل بودند. از جمله این مطلب که روحانیون در امور سیاسی نباید دخالت کنند... آنها می‌خواستند یک قشر بزرگی را از جامعه، که جامعه هم تبع آن‌هاست، منزوی کنند و خودشان بجای آنها بنشینند. حکومت مال ما و نماز جماعت خشکی که توتی اصلا صحبت اجتماعی و سیاسی نباشد، مال شما.»

امام خمینی در جای دیگر به ادامه توطئه‌های دشمنان انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کردند و گفتند: «الآن هم چیه‌ها در آنت که شما را از سیاست کنار بزنند، شما را نگذارند در امور اجتماعی دخالت بکنند، شما را نگذارند در حکومت هیچ دخالتی بکنند.»

امام خمینی همچنین گفتند: «باید توجه کنید، اگر اشخاصی در تمام این ارگان‌هایی که الان بعد از انقلاب بوجود آمده، چه آنهایی که خودرو پیدا شده‌اند و خود ملت آنها را ایجاد کرده‌اند و چه آنهایی که مثلاً مقامات ایجاد کرده‌اند، باید توجه به این بکنید

طرح جدید...

بقیه از صفحه ۱

زمامدار و نزدیک به زمامداران غربی وسیمتا مورد بحث قرار گرفته است. کار تبه طرح کدایی در زمان زمامداری نیکسون و کیستیر آغاز شد و بعدا برزیسکی به تکمیل رئوس آن پرداخت.»

برآودا همچنین نوشت: «ایجاد چند کشور جدید در خااک آسیا، که بشتر قابل هدایت و مناسبت از لحاظ وسعت ارضی باشند، هسته اصلی طرح «دوئیز» را تشکیل می‌دهد. در این طرح پیش‌بینی شده است که برای نیل به این هدف، «مرزهای سیاسی جدید و معقولانه‌تری» بین کشورهای آسیا برقرار شود.»

برآودا نوشت: «از جمله پیش‌بینی شده است که خااک ایران، عراق و افغانستان و پاکستان تقسیم شود و بجای این کشورها، کشورهای جدیدی نظیر «بلوچستان» در خااک ایران و

هشدار کانون دانش آموزان ایران - بانه: از ایجاد اغتشاش در مدارس جلوگیری کنیم

کانون دانش آموزان ایران - تشکیلات بانه، با انتشار نامه سرکشاده، به مسئولین آموزش و پرورش این شهرستان هشدار داد که ضدانقلاب درصدد است مدارس بانه را به تعطیل بکشد. در این نامه آمده است:

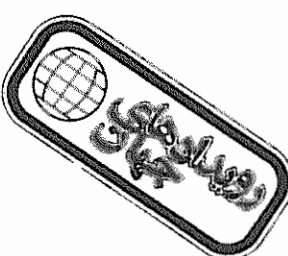
«همچنانکه میدانید، بدبنیان بازگشایی مدارس در شیربانه، ضدانقلاب با انواع حیل و وسائل میکوشد تا بار دیگر مدارس را به تعطیل بکشد و از انزای گامی گرومی از دانش آموزان بهره گیرد و از احساسات پست و انسانی آنان در جهت اهداف کثیف خود سود جوید. چندی است که ضدانقلاب با استفاده از همین احساسات بی آلاشی نوجوانان، فعالیت خود را در مدارس تشدید کرده است. و این امر متأسفانه با پیروگری از انتباهاتی بوده که مسئولان امر در اداره کردن امور مدارس مرتکب شده اند. بیشک انتخاب افراد مسئول، متعبد و مومن به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران به مدیریت مدارس و آموزشگاهها، گام مهمی در خنثی کردن توطئه های ضدانقلاب و سوءاستفاده از سادگی نوجوانان ما، خواهد بود. کانون دانش آموزان ایران - بانه، بنابر مشی اصولی خود، با تمام توانایی و امکانات خویش سعی وافر دارد که با آگاه کردن دانش آموزان عزیز از توطئه های ضدانقلاب جهت تعطیل کشاندن مدارس جلوگیری کند. وظیفه دانش آموزان انقلابی در این لحظات خطر حمایت از دستاوردهای انقلاب و کوشش در جهت منافع زحمتکشان است.

ما از مسئولین انتظار داریم که با عمل سنجیده، برنامه ریزی شده و دقیق، جلو هرگونه سوء - استفاده ضدانقلاب را قطعانند. کانون دانش آموزان ایران - بانه ۵۹۹۸۱۵

نامه مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار نامه مردم نیست
NAMEH MARDOM
No. 404
25 December 1980
Price: West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۴ پستی تهران ۱۳۵۹۱، منطقه

رئیس شورای جهانی صلح در جریان سفرش به سوریه گفت: پیشنهادهای اخیر لئونید برژنف به نفع همه خلقهای خلیج فارس است

روموش چاندرا، رئیس شورای جهانی صلح، که در رأس یک هیئت نمایندگی این شورا، به دعوت شورای ملی صلح سوریه، به این کشور رفته بود، با حافظه اسد رئیس جمهوری این کشور ملاقات کرد. در جریان این ملاقات، دوطرف تلاشهای امپریالیسم آمریکا را برای گسترش حضور نظامی خود در خاورمیانه، خلیج فارس و اقیانوس هند محکوم کردند. حافظ اسد با پیشنهاد روموش چاندرا مبنی بر اینکه اجلاس شورای جهانی صلح، ماه ژوئن آینده در دمشق برگزار شود، موافقت کرد. از سوی دیگر، روموش چاندرا در یک مصاحبه مطبوعاتی در دمشق، علیه گسترش فعالیتها و آمپریکا به خلیج فارس و خاورمیانه سخن گفت. روموش چاندرا ضمن تأکید بر گسترش مبارزه خلقهای منطقه علیه مداخلات آمریکا، اعلام کرد که پیشنهادهای اخیر لئونید برژنف به نفع همه خلقهای خلیج فارس است.



دبیر کل حزب کمونیست انگلستان: کارگران در کشورهای سرمایه داری بیش از پیش به مزایای سوسیالیسم پی میبرند

گوردون مک لئان، دبیر کل حزب کمونیست انگلستان، در مصاحبه ای با روزنامه پرآوا، ضمن اشاره به رهنمودهای برنامه اقتصادی پنج ساله آینده اتحاد شوروی گفت: «در حالیکه اقتصاد کشورهای سرمایه داری در بحران عظیمی دست و پا میزند و هر روز به تعداد یکاران افزوده میشود، در کشورهای سوسیالیستی جهان یک رشد موزون اقتصادی و افزایش منظم درآمد ملی مشاهده میشود.» مک لئان گفت: «مخالف غربی تلاش دارند از پاره ای از مشکلات اقتصادی کشورهای سوسیالیستی برای تحریف واقعیات استفاده کنند، اما این محال می تواند رند موزون اقتصاد کشورهای سوسیالیستی را رد کنند.» دبیر کل حزب کمونیست انگلستان تأکید کرد: «افزایش درآمد ملی در برنامه پنج ساله آینده اتحاد شوروی، ۱۶ تا ۱۸ درصد است و این در حالیست که در کشورهای سرمایه داری غربی سطح زندگی زحمتکشان سال به سال کاهش می یابد و بر شمار یکاران افزوده میشود، بطوریکه اکنون تنها در انگلستان بیش از دو میلیون یکار وجود دارند.» مک لئان همچنین یاد آور شد: «در انگلستان، بعنوان مثال، هر سال از مخارج رفاهی زحمتکشان مانند مخارج بهداشتی و آموزشی کاسته میشود و در عوض بودجه نظامی افزایش می یابد. کارگران در کشورهای سرمایه داری بیش از پیش به مزایای سوسیالیسم پی میبرند و درک می کنند که تنها سوسیالیسم می تواند معضلات حل نشدنی جوامع سرمایه داری را پایان دهد و رفاه همه جانبه خلق را تأمین کند.» دبیر کل حزب کمونیست انگلستان خاطرنشان کرد: «برنامه اقتصادی اتحاد شوروی، برنامه صلح است. این همان برنامه ای است که در جهت منافع همه زحمتکشان و از جمله زحمتکشان کشورهای سرمایه داری است.»

هشدار روزنامه چاپ افغانستان: امپریالیسم آمریکا یک جنگ میکرسی علیه ایران، افغانستان و هند تدارک می بیند!

روزنامه «کابل نیوتایمز» توطئه های جنایتکارانه جدید امپریالیسم آمریکا را، که با همکاری رژیم سرسپرده ضیاع الحاق صورت می گیرد فاش کرده است. این روزنامه فاش کرده است که آمریکا در پاکستان تجاربی برای بر آورد موثر بودن چند نوع ماده شیمیایی انجام می دهد. کابل نیوتایمز نوشت که عده ای از دانشمندان آمریکایی در پاکستان تحت سرپوش «مبارزه با مالاریا» یک جنگ میکرسی علیه ایران، افغانستان و هند تدارک می بینند. این روزنامه نوشت: «قرار است با استفاده از کوچ فصلی گله های دام، امراض عفونی به این سه کشور سرایت داده شود.» کابل نیوتایمز نوشته است: «هدف امپریالیسم آمریکا آلوده کردن مناطق از این سه کشور به بیماری و در نتیجه ایجاد عدم ثبات اوضاع است.»

سادات، مدافع باصطلاح مبارزان افغانی رژیم دست نشانده سادات، هر چه بیشتر نقش حامی باصطلاح مبارزان افغانی را بعهده میکیرد.

ذکر سید توفیق، دبیر کل «مجمع موسسان جامعه خلقهای مسلمان و عرب» (گروهی که سادات برای مقابله با اسلام انقلابی امام خمینی و جنبش های رهایی بخش منطقه علم کرده است)، در قهره گفت که سادات قصد دارد یک میلیون و چهارصد هزار دلار دیگر به «آرمان زمندگان راه آزادی افغانستان» کمک کند. «مبارزه» سادات در راه این «آرمان» همین جا ختم نمیشود. دکتر توفیق گفته است که به دستور سادات، ۲۷ دسامبر، روز همبستگی با «مبارزان» افغانی برگزار خواهد شد. بدین ترتیب در حالی که سوسیالیست های تلوارو روز و شب، فلسطینی ها و مردم بنگاه جنوب یان را زیر آتش گرفته اند، سادات، این مزدور خان دنیای عرب، بدستور اربابان آمریکایی خود، ماموریت تازه ای علیه انقلابی ها رهایی بخش منطقه برعهده می گیرد.

تظاهرات کارگران در بلژیک

بلژیک در دو روز گذشته شاهد تظاهرات گسترده ای از سوی کارگران این کشور بود. این اعتراض به خاطر اعتراض نسبت به تصمیم دولت این کشور که در آن سرمایه داران بزرگ حاکم مطلقاًند در مورد جلوگیری از افزایش دستمزدها صورت گرفته است. سند مربوط به جلوگیری از افزایش دستمزدها از سوی نخست وزیر این کشور برای بررسی به پارلمان بلژیک ارائه شده است. در اوایل دسامبر، اتحادیه های صنفی بلژیک در مذاکراتی با دولت بلژیک از تأیید این تصمیم خودداری کردند. تصمیم مزبور مستقیماً به سود انحصارات بزرگ بلژیکی و چندملیتی است. قرار است طی این هفته در بسیاری از مراکز صنعتی بزرگ بلژیک تظاهرات گسترده کارگران برپا شود.

دبیرخانه سازمان همبستگی آسیا و آفریقا: پیشنهادهای شوروی بمعنی نشان دادن راه خروج از اوضاع خطرناک منطقه است

واکنش مثبت محافل ترقیخواه جهان و بویژه محافل ترقیخواه خاورمیانه در برابر پیشنهادهای صلح لئونید برژنف درباره تنبیت صلح و امنیت خلیج فارس ادامه دارد. محافل ترقیخواه منطقه عقیده دارند این پیشنهادهای از توجه عمیق به امر صلح و ثبات منطقه ناشی میشود. محافل اجتماعی منطقه این پیشنهادهای را، در برابر تلاشهای چون امپریالیسم آمریکا در منطقه قرار میدهند و به تفاوت های بنیادی سیاستهای دو کشور اشاره می کنند. اما نیروهایی هستند که بلافاصله همراه با امپریالیسم آمریکا این پیشنهادهای را رد کرده اند. از جمله وزارت خارجه مصر اعلامیه ای شبیه به اعلامیه وزارت خارجه آمریکا، چین و اسرائیل منتشر کرده است. در مقابل، دبیرخانه سازمان همبستگی آسیا و آفریقا در بیانیه ای اعلام کرد در این پیشنهادهای به هیچ کشوری مزیت یکطرفه داده نشده است. این دبیرخانه اضافه کرده است «پیشنهاد های شوروی عبور بلا مانع کشتی ها را در منطقه تضمین می کند و در همان حال به هر کشوری در منطقه حق میدهد خود سرویشت خویش را در دست گیرد. این روند می تواند جلوی گسترش تهدید به زور و گسترش پایگاههای نظامی در منطقه را بگیرد.» معاون سازمان همبستگی آسیا و آفریقا گفت «پیشنهاد های برژنف اهمیت اساسی دارد. این پیشنهادهای منطقی است و هدف آن کاهش تشنج در منطقه ای است که اخیراً صحنه افزایش فعالیتها و مقابله نظامی بوده است. اجرای پیشنهادهای شوروی کشورهای منطقه را قادر می سازد تا در شرایط صلح و آرامش و بر طبق اراده خود پیشرفت کنند.» وی گفت «پیشنهاد های شوروی به معنی نشان دادن راهی برای خروج از این اوضاع خطرناک است.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

با رد پیشنهادهای ویتنام: برتری طلبان پکن چهره متجاوز و سلطه گر خود را آشکار ساختند

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

شوخی نیست... شوخی نیست باور کنید شوخی نیست

وارد اتاق بزرگی شدیم، که در آخرین طبقه ساختمان قرار داشت. پس از سلام و تعارفات خشک گفت: شما حق ندارید در سندنج روزنامه مردم بخوانید. گفتیم: این روزنامه قانونی است و مجوز کتبی وزارت ارشاد اسلامی کشور جمهوری اسلامی ایران را دارد. گفت: اینجا منطقه جنگزده است. گفتیم: اکنون در سراسر ایران جنگی علیه آمریکا جریان دارد. گفت: کردستان از سایر نقاط ایران جداست. گفتیم: حکم وزارت ارشاد، کردستان را از سایر نقاط ایران جدا نکرده است. گفت: وزارت ارشاد اشتباه می کند. و از این سخن ها بسیار رفت و شکفتی ها بسیار شنیدیم. او ادامه داد و گفت: بله، شما شعار هم نباید بنویسید. گفتیم: مگر نوشتن سخنان امام خمینی و پیام های ایشان به خلق کرد و شمارهای ضدامپریالیستی جرم است؟ گفت: نه، اما شما ننویسید. در ضمن اعلامه و تراکت هم پخش نکنید. گفتیم: چرا؟ آیا در اعلامیه ها و تراکت ها جز دفاع از رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی و فراخواندن خلق کرد به مبارزه با امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، چیز دیگری مشاهده کرده اید؟ آیا اینها جرم است یا کار بدی است؟ گفت: نه، ما خودمان این کارها را می کنیم. دیگر به شما احتیاجی نیست. گفتیم: مدت ها قبل از اینکه شما در این شهر بتوانید از انقلاب و رهبری آن در این منطقه دفاع کنید و در زمانیکه بسیار کسان از ترس ضدانقلاب با حربه زیر کف «مهاجران» میدان را برای خودسری گومه لایها و یاران شان در شهر باز گذاشتند و هیچ نیروی دیگری به دفاع از انقلاب ایران و رهبری انقلاب برخاسته بود، رفقای ما با استواری تمام در راه تحکیم انقلاب ایران و تقویت رهبری انقلاب در برابر ضدانقلاب ایستادند. اکنون گرفتن حق این دفاع انقلابی از آنان، عادلانه نخواهد بود. گفت: بهر حال احتیاجی به دفاع شما نیست. این خط مشی ما است و شما موظف به اجرای آن هستید. گفتیم: بسیار خوب، پس بعهده شما که مقام مسئولی هستید، ما بعنوان یک نیروی طرفدار انقلاب، با توجه به اینکه با رفتن ما به جبهه هم بارها مخالفت کرده اید و علاوه بر این، حق خواندن روزنامه خود، حق شمار نویسی، حق پخش اعلامیه و تراکت و حق ترویج و تبلیغ از ما ضایع میشود، به چه طریقی باید از این انقلاب دفاع کنیم؟ لطفاً اندکی راهنمایی فرمایید، چون مطابق حکم شما، طرفداری ما از انقلاب جرم است و طرفداری نکردن هم نسبتاً به نظر شما، بلکه بنظر خود ما نیز جرم محسوب میشود. اندکی در فکر فرو رفت و سپس گفت: - رفقای شما میتوانند در ادارات و در هر جا که هستند، کار کنند، خوب کار کنند، منظم باشند. این خدمت بزرگ است. به انقلاب. از شادی نزدیک بود فریاد بکشیم. اما حیف که این کار هم عیب پیدا کرده بود. با افسردگی گفتیم: - آفرین برادر! کار، تولید، نظم، اینها همه در این روزها برای انقلاب ما بسیار حیاتی و مهم است. اما میدانید، آخر رفقای ما را بجرم داشتن عقیده شان از کار بیرون کرده اند! پس از این گفتگو، بدون هیچ نتیجه ای از اتاق خارج شدیم. پله ها را با آندوه تا به آخر پائین آمدیم. هنگام خروج از حیاط ساختمان، یکی از برادران نگهبان از ما پرسید، شما چکاره هستید؟ گفتیم: توده ای! یکی دیگر از برادران نگهبان، که سرمای غروب سندنج گونه های رنگ کشیده اش را بهم فشرده بود، با دست های چابک خود در آهین خروجی را کشود و گفت: - توده ای ها آدم های خوبی هستند. بفرمایید، خواهش می کنم! حزب توده قانونیست، شما آزادید. بفرمایید! بفرمایید! لیخند دوستانه ای بین ما رد و بدل شد. گفتیم: - زندانبانی برادر! فردا دوباره شما را خواهیم دید.

